

## طرح جامع تحقیق در اقتصاد اسلامی

### اشاره

از نگاه مجله «پژوهش و حوزه» نشان دادن افق‌های پژوهشی و پژوهش در قلمرو تعامل دین و علوم انسانی و نیز قلمرو دانش‌های نوین دینی از منزلتی ویژه برخوردار است. دانش اقتصاد اسلامی از جمله دانش‌های نوین دینی است که در قلمرو تعامل دین و علوم انسانی متولد شد. این علم، در مسیر رشد و بالندگی خود بی‌گمان امروزه از موفق‌ترین عرصه‌های دانش آفرینی و دارای نتایج کاربردی در حوزه علمی می‌باشد. به حق علامه شهید صدر نقطه اتکا و اوج این حرکت تلقی می‌شود؛ اما شاگردان مکتب او نیز گام‌های بلندی در این زمینه برداشته‌اند.

گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در این نوشتار موضوعات، ابعاد و ساختار پژوهشی در قلمرو دانش اقتصاد اسلامی را در چارچوب یک سیستم پژوهشی معرفی کرده است. به نظر می‌رسد پژوهشگران عرصه اقتصاد اسلامی، می‌توانند چارچوب خوبی را در این طرح‌واره برای آینده پژوهش خود دریابند.

گفتنی است که این طرح هنوز نهایی نیست. از این روی پژوهشگاه و فصلنامه از دیدگاه‌های اصلاحی در این مورد - در کنار طرح‌های مشابه در قلمرو سایر علوم - استقبال می‌کند.

**چکیده:** اقتصاد اسلامی پسوند اصطلاحات گوناگونی چون: علم، نظام، مکتب، حقوق، فلسفه و... است. از این رو، بدون تعیین پیشوند آن، دارای مفهوم جامعی است که می‌تواند شامل همه این مقولات شود. موضوع این طرح جامع، اقتصاد اسلامی به مفهوم عام آن است که مقولات نه گانه زیر را در بر می‌گیرد:

۱. فلسفه اقتصاد اسلامی، ۲. اهداف اقتصاد اسلامی، ۳. مذهب (مکتب) اقتصادی اسلام، ۴. حقوق اقتصادی، ۵. اخلاق اقتصادی اسلام، ۶. نظام اقتصادی اسلام، ۷. نظام سازی یا مهندسی نظام اقتصادی اسلام، ۸. علم اقتصاد اسلامی، ۹. توسعه اقتصادی با نگرش اسلامی.
- به صورت منطقی این طرح، به نه کلان طرح و هر یک نیز به چند طرح کوچک‌تر تقسیم می‌شود. بدین ترتیب نقشه تحقیقات گسترده، جامع و نظام مند شکل می‌گیرد.

## الف. فلسفه طرح جامع

### ۱. نگرش سیستمی

«نگرش سیستمی، روشی از برخورد با پدیده‌ها است که بر کل متشکل از اجزا می‌نگرد و ارتباط اجزا با یکدیگر و تأثیر و تأثر آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. افزون بر این همین کل متشکل از اجزا نیز به صورتی مجزا از سایر پدیده‌ها مشاهده نمی‌شود، بلکه خود با دیگر پدیده‌ها در جایگاه «کل»‌های دیگر در تعامل است و خود جزئی از اجزای کل بزرگ‌تر به شمار می‌رود. از طرفی، رابطه‌ای سلسله‌وار نیز میان سیستم‌ها برقرار است که حاصل کار یکی، منابع آغاز کار دیگری است. این دور تسلسل همچنان ادامه می‌یابد.» (ر. ک: دیرک هیچنز، ص ۲۰).

گرچه در این تعریف، نگرش سیستمی روش خاصی از برخورد با پدیده‌های خارجی معرفی شده است، می‌توان از آن برای مطالعه یک مکتب فکری و آموزه‌های آن نیز استفاده کرد.

در این طرح مقولات نه گانه پیش گفته با نگرش سیستمی مورد ملاحظه قرار گرفته

و تلاش شده است همه آموزه‌های اسلامی که به نوعی با حوزه اقتصاد ارتباط پیدا می‌کند در قالب نه کلان طرح که با یکدیگر ارتباط منطقی و روشنی دارند ریخته شود. در درون هر یک از کلان طرح‌ها نیز سعی شده تا حد امکان ارتباط منطقی طرح‌های فرعی با یکدیگر ملاحظه شود؛ به گونه‌ای که پس از اتمام تحقیق در کلان طرح‌های مزبور، نقش احکام و تعالیم اسلامی و نیز عقل و علم در هدایت بشر به سوی اهداف اقتصادی اسلام به خوبی روشن شود.

شهید صدر (ره) در کتاب اقتصادنا تحت عنوان «الاقتصاد الاسلامی جزء من الكل» به لزوم نگرش سیستمی در مطالعه اقتصاد اسلامی تصریح می‌کند. ایشان به درستی معتقدند که اجزای اقتصاد اسلامی نباید به صورت اجزای جدا از یکدیگر مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین مجموع اقتصاد اسلامی نباید به عنوان مکتبی از مکتب‌های اجتماعی و سیاسی اسلام مطالعه شود؛ بلکه باید اقتصاد اسلامی در ضمن مکتب عام اسلامی که نواحی گوناگون حیات را در جامعه تنظیم می‌کند ملاحظه شود. افزون بر این نباید مکتب اسلام را از زیربنای خاصی که برای آن آماده شده و در آن همه عناصر بقا و قوت مکتب تهیه گشته، جدا کرد و مکتب اسلام را با آن زیر بنا مورد مطالعه قرار داد. ایشان زیربنای مکتب اسلام را مشتمل بر سه عقیده و مفاهیم و عواطف می‌دانند (محمدباقر صدر، ص ۲۹۴).

صرف نظر از ساختاری که شهید صدر (ره) برای مباحث پیشین و پسین مکتب اقتصادی اسلام بیان می‌کنند، اصل این عقیده که اسلام یک کل نظام مند است و در هنگام تحقیق درباره هر یک از اجزای آن باید آن جزء را در درون کل مورد مطالعه قرار داد، کاملاً صحیح است و دارای مبانی کلامی روشنی است. بی تردید آموزه‌های اسلام از سوی خداوند حکیم برای هدایت بشر به سوی اهداف معینی است، و بی ارتباط بودن آنها با یکدیگر و به عبارت دیگر، نظام مند نبودن آنها با حکمت خداوند سازگار نیست.

## ۲. مفهوم نظام اقتصادی اسلام

در این طرح مفهوم نظام اقتصادی اسلام حلقه وصل مقولات پیش از خود و بعد از خود می‌باشد. سر این مطلب با توضیح تلقی ویژه‌ای که از مفهوم نظام اقتصادی اسلام وجود دارد، آشکار می‌شود.

## ۱-۲. تعریف

«نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است که از کتاب و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و عقل استنباط می‌شود. الگوهای مزبور چگونگی شرکت کنندگان در نظام اقتصادی را به یکدیگر و به منابع اقتصادی تبیین کرده، براساس مبانی بینشی و مکتبی معینی راهبرد حرکت به سمت اهداف اقتصادی اسلام را نشان می‌دهند».

چون این مفهوم نقشی کلیدی در این طرح دارد لازم است ابتدا درباره اجزای تعریف فوق توضیح دهیم و سپس ویژگی‌های نظام اقتصادی به این مفهوم را بیان کرده، در نهایت اثبات کنیم که این تعریف از نظام اقتصادی تعریف بدیعی نیست و نظایر آن با کمی تفاوت از اقتصاددانان غربی و اندیشمندان اسلامی نقل شده است.

## ۲-۲. اجزای تعریف

### ۱-۲-۲. مفهوم الگو

در علم اقتصاد اثباتی، اصطلاح الگو عبارت است از: نمایش ساده چیزهایی که تصور می‌شود مهم‌ترین عوامل مؤثر در رفتار مورد مطالعه‌اند. الگوهای اقتصادی معمولاً به زبان توابع، اتحادها و نمودارها نمایش داده می‌شوند (ر. ک: ریچارد جی لیپس و کالین هاربری، ص ۷۱-۷۵؛ فریدون تفضلی، ص ۱۸-۲۰ و ص ۷۱-۷۵).

مقصود ما از الگو، همین مفهوم مصطلح در اقتصاد است، با این تفاوت که الگوهای مورد نظر ما جنبه دستوری دارد. این الگوها از منابع اسلامی به روش اجتهاد مصطلح همراه با تحلیل‌های عقلی استنباط شده و در قالب‌های علمی روز به زبان توابع، اتحادها و نمودارها ارائه می‌شود.

### ۲-۲-۲. الگوهای رفتاری و الگوهای روابط

الگوهای رفتاری رابطه بین افراد و اموال و منابع اقتصادی را در سطح خرد و کلان بیان می‌کنند. برای نمونه الگوی مصرف، تولید، پس انداز و سرمایه‌گذاری فرد مسلمان یا جامعه اسلامی، الگوهای رفتاری نامیده می‌شود.

الگوهای روابط، رابطه بین شرکت کنندگان در یک نظام را با یکدیگر در سطح خرد و کلان بیان می‌کنند. شرکت کنندگان در یک نظام، دولت و گروه‌های مردم‌اند. برای نمونه الگوی خرید

و فروش، اجاره، شرکت، قرض، مالیات‌ستانی و خدمات‌دهی دولت از این قبیل‌اند.

### ۲-۳. شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی

مقصود، کسانی است که الگوهای رفتاری و روابط برای تنظیم رفتارها و روابط آنها می‌باشد. در اقتصاد شرکت‌کنندگان در نظام را به دولت و مردم و مردم را بر حسب نوع رفتارشان به مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران، نیروی کار و... تقسیم می‌کنند.

### ۲-۴. منابع

منابع در هر زمان شامل اموری چون زمین، منابع طبیعی، سرمایه‌انسانی، ابزارها و تجهیزات تولید، اطلاعات، تکنولوژی و... متناسب با آن زمان است.

### ۲-۳. ویژگی‌های نظام اقتصادی اسلام

#### ۲-۳-۱. نظام دستوری

نظام اقتصادی را می‌توان به دو قسم «تحقق‌یافته» و «دستوری» تقسیم کرد. نظام اقتصادی تحقق‌یافته، نظامی است که در خارج به صورت بالفعل وجود دارد، ولی نظام اقتصادی دستوری چنین نیست؛ بلکه طرحی است که به وسیله یک مکتب بشری یا الهی برای تغییر و تنظیم واقع موجود به منظور حرکت در مسیر اهداف مورد نظر آن مکتب تجویز می‌شود. نظام اقتصادی اسلام، نظامی دستوری است. یعنی الگوهای رفتاری و روابط در این نظام از متن آیات و روایات و با استفاده از تحلیل‌های عقلی به دست می‌آید و از آنها برای تغییر و تنظیم واقع موجود استفاده می‌شود.

#### ۲-۳-۲. نظامی مبتنی بر جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی

بی‌تردید اهداف، رفتارها و روابط اقتصادی از اعتقادات و ارزش‌های پذیرفته‌شده شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. گرچه در تعاریف نظام اقتصادی به این مطلب تصریح نشده، ولی مورد قبول بیشتر اهل فن در این زمینه - به جز پوزیتیویست‌ها (اثبات‌گرایان) - است. الگوهای رفتاری و روابط و نیز اهداف نظام اقتصادی اسلام بر جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی مبتنی است. ابتدای امور مزبور بر جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی، موجب هماهنگی و سازگاری اجزا و اهداف نظام اقتصادی اسلامی می‌گردد. افزون بر این موجب می‌شود که بین نظام اقتصادی و سایر زیرنظام‌های نظام عام زندگی (همچون نظام‌های سیاسی، اجتماعی و...) تضاد و تنافی نباشد. در حقیقت

جهان بینی و ارزش های عام اسلامی زیربنای مشترک همه نظام های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اسلام است.

#### ۴-۲. پیشینه تعریف

نظام اقتصادی در ادبیات اقتصاد مرسوم و نیز در ادبیات اقتصاد اسلامی، دارای تعریف معین و مورد توافق نیست. اقتصاددانان تعاریف گوناگونی از این اصطلاح ارائه کرده اند (سید حسین میرمعزی، ص ۱۵ - ۲۱). با این وجود در بین اقتصاددانان اسلامی و غیراسلامی کسانی هستند که نظام اقتصادی را شبیه تعریفی که در این طرح ارائه شد تعریف کرده اند.

برای نمونه و کلارها سوسکی، پرفسور دانشگاه ماساچوست معتقد است که چهار دسته اصلی از عناصر وجود دارند که هر نظام اقتصادی را تشکیل می دهند: منابع، شرکت کنندگان، فرایندها و نهادها. نهادها در تعریف وی الگوهای خاص روابطی است که شرکت کنندگان را به یکدیگر پیوند می دهد (Vaclar Holesovsky: PP. 14 - 36).

دکتر میرآخور نهادها را عناصر نظام معرفی می کند و در توضیح نهاد می گوید:

نهادها از طریق هنجارهای رفتاری رسمی و یا غیررسمی به اضافه ویژگی های آن هنجارها به وجود می آید؛ ویژگی هایی که مربوط به مرحله اجرا و اخذ تصمیمات برای تحقق مجموعه ای از اهداف است (عباس میرآخور، ص ۲۲۲).

همو در تعریف نظام اقتصادی اسلام می گوید:

نظام اقتصادی اسلام عبارت است از مجموعه ای از نهادها، شامل هنجارهای رفتاری رسمی و غیررسمی با قابلیت اجرا که خداوند متعال به عنوان شارع آنها را از رهگذر قواعد قرآنی وضع فرموده است؛ قواعدی که چارچوب اجرایی آنها را سنت حضرت پیامبر (ص) تعیین می کند و در وضعیت های نوین از طریق اجتهاد تعمیم می یابند تا شامل تخصیص منابع، تولید، تبادل کالاها و خدمات و توزیع درآمدها و ثروت ها شوند (همان، ص ۲۲۴ و ۲۲۵).

پرفسور خورشید احمد نیز نظام اقتصادی اسلام را در بردارنده اهداف، نگرش های

اخلاقی تعریف شده و الگوهای رفتاری برای عاملان اقتصادی و قوانین خاص، مقررات و تدابیری که دولت آنها را اجرا می کند، می داند (خورشید احمد، ص ۲۶۹ - ۲۷۰).

همان گونه که ملاحظه می گردد در این تعاریف، رفتارها و روابط اقتصادی محور قرار گرفته اند. به هر حال با وجود اختلاف بین اهل فن در این مفهوم هیچ الزامی در پذیرفتن یک تعریف مشخص نیست، بلکه ما در این طرح می توانیم با توجه به اهداف خود تعریفی جدید از مفهوم نظام اقتصادی اسلام ارائه کنیم.

### ۳. نظام اقتصادی اسلام ثابت و جهان شمول

بی تردید دین اسلام جهان بینی و ارزش های خاصی را معرفی کرده است که با تغییر زمان و مکان تغییر نمی کنند و به صورت منطقی می توان اثبات کرد که آن جهان بینی و ارزش ها مستلزم اهداف خاصی است که در منابع اسلامی (قرآن و احادیث) به آنها تصریح شده است.

بنابراین، مبانی اعتقادی، ارزشی و اهداف نظام اقتصادی اسلام در منابع دینی بیان شده است. از آنجا که این مطالب کمتر مورد اختلاف است از بررسی بیشتر صرف نظر می کنیم و به بررسی این سؤال می پردازیم که آیا اسلام الگوهای رفتاری (یا نهادهای) خاصی را نیز ارائه کرده است که جهان شمول و ثابت باشند یا آنکه این الگوها باید در هر زمان به تناسب شرایط تعریف و تثبیت شوند؟

در این نوشتار اثبات می شود که اسلام دارای نظام اقتصادی ثابت و جهان شمول بوده و الگوهای رفتاری ثابت و جهان شمولی را ارائه کرده است. اثبات این امر بر مقدمات ذیل مبتنی است:

الف. انسان برای دستیابی به الگوهای رفتاری و روابط مطلوبی که فرد و جامعه را در راستای اهداف مورد نظر اسلام قرار دهد، نیازمند وحی و تعالیم کسانی است که به منبع وحی متصل اند.

ب. خداوند متعال از طریق پیامبر (ص) و معصومین (ع) عناصر الگوهای مزبور را در قالب شریعت اسلام بیان کرده است. مقصود از شریعت اسلام مجموعه آموزه های اخلاقی و احکام تکلیفی و وضعی آن است.

ج. شریعت اسلام ثابت و جهان شمول است.

نتیجه روشن مقدمات فوق آن است که اسلام دارای نظام اقتصادی ثابت و جهان شمول است.

در ادامه بر هر یک از سه مقدمه فوق استدلال کرده، در پایان به دو شبهه درباره ثابت و جهان شمول بودن شریعت و نظام اقتصادی اسلام پاسخ خواهیم داد.

۳-۱. نیاز به وحی در کشف الگوهای مطلوب رفتاری و روابط

این مطلب با توجه به مقدمات سه گانه ذیل ثابت می شود:

۳-۱-۱. مفهوم سعادت انسان و جامعه از دیدگاه اسلام

از دیدگاه فایده گرایان که افکار آنها زیر بنای مکتب سرمایه داری است، انسانی سعادت مند است که لذت های مادی و دنیوی او بیشینه و دردها و رنج های او کمینه باشد. لذا هدف غایی سرمایه داری آن است که بیشترین افراد به بیشترین لذت دنیوی با کمترین درد و رنج دست یابند (ر. ک: سید حسین میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۴۷ - ۶۱).

بی تردید یکی از گرایش های فطری انسان، گرایش به لذت و گریز از رنج است که به صورت تکوینی در نهاد وی گنجانده شده است. ماهیت سعادت انسان نیز چیزی جز «لذت بیشتر و رنج کمتر» نیست، ولی به دو قاعده عقلی و فطری نیز باید توجه کرد:

الف. لذتی که از جهت کمی پایدارتر است، بر لذت های موقت ترجیح دارد.

ب. لذتی که از جهت کیفی برتر است بر سایر لذت ها مقدم است.

اشتباه بزرگ فایده گرایان آن است که لذت ها و رنج ها را در نوع مادی و دنیوی محصور می کنند؛ در حالی که بر اساس جهان بینی اسلامی، لذت ها و رنج های دنیوی از جهت کمیت و کیفیت با لذت ها و رنج های اخروی قابل قیاس نیست (اعلی / ۱۷). اسلام گرایش فطری به لذت و فرار از رنج را به رسمیت می شناسد و با دستورهای خود، انسان را به سمت لذت های برتر و پایدارتر راهنمایی می کند. از دیدگاه اسلام، انسانی سعادت مند است که سرجمع لذت های دنیوی و اخروی اش بیشینه گردد و چون لذت های اخروی از لذت های دنیوی برتر است، در مقام تزامم، ترجیح دارد. بنابراین لذت های دنیوی چنانچه به لذت های اخروی انسان آسیب وارد نکند، مجاز شمرده می شود و حتی گاهی در سعادت انسان تأثیر مثبت دارد.

به طور کلی لذت های این دنیا از جهت تأثیر منفی بر لذت ها و آلام آخرت سه نوع



است:

الف. لذت‌هایی که مانع لذات ابدی و موجب عذاب اخروی است. عقل، انسان را از چنین لذت‌هایی منع می‌کند.

ب. لذت‌هایی که موجب عذاب اخروی نمی‌شود، ولی انسان را از لذایذ بیشتر آخرت محروم می‌کند. چنین لذت‌هایی عقلاً مرجوح است.

ج. لذت‌هایی که تنها با لذایذ خاص اولیای خدا و انسان‌های متعالی تراحم دارد. این لذت‌ها از نظر فقهی مباح است، ولی برای اولیای خدا ارزش منفی دارد (ر. ک: محمدتقی مصباح یزدی، ج ۲، ص ۲۰۷-۲۱۲).

با توجه به مفهوم سعادت انسان از دیدگاه اسلام، اکنون سؤال این است که آیا انسان می‌تواند تنها با تکیه بر عقل و تجربه و با ابزار علمی طریق سعادت را بشناسد؟ مسلماً جواب منفی است. چگونه می‌توان بدون وحی تشخیص داد که رفتارهای مادر عرصه‌های مختلف زندگی، از جمله در عرصه اقتصاد و معاش چه تأثیری بر آخرت ما دارد؟ چه چیز را چگونه تولید و توزیع و مصرف کنیم تا سرجمع لذت‌های دنیوی و اخروی ما بیشینه گردد؟ به همین جهت، آیات و روایات فراوانی بر برخی رفتارهای اقتصادی، همچون ربا، اسراف و تبذیر وعده عذاب داده و برخی رفتارهای دیگر مانند صدقه، قرض الحسنه، وقف، زکات و خمس را موجب ثواب اخروی دانسته‌اند.

### ۳-۱-۲. انسان در جهان بینی اسلام

هدف از آفرینش انسان (ذاریات / ۵۶) و بعثت انبیا (جمعه / ۲) تزکیه و تعلیم انسان‌ها و حرکت دادن آنها به سوی سعادت دنیا و آخرت است. انسان در نگرش اسلامی موجودی دو بعدی و متشکل از جسم و روح است (حجر / ۲۸ و ۲۹). واقعیت و حقیقت انسان روح او است و همراهی روح و بدن در دنیا بدان سبب است که بدن ابزار کار روح در این دنیا است. بی تردید رفتارهای انسان نظیر کیفیت خوردن و پوشیدن و چگونگی کسب و کار در بدن و روح وی اثر می‌گذارد. همچنین برخی رفتارهای اقتصادی در روح انسان دارای تأثیر مثبت است و او را در مسیر عبودیت پروردگار شتاب می‌بخشد و برخی دیگر دارای آثار منفی است.

تشخیص اینکه فلان رفتار چه اثری بر روح ما دارد - مثلاً رباخواری یا تجمل‌گرایی یا خوردن برخی غذاها و میوه‌ها - از عهده عقل و علم خارج است. از این رو باید رفتارهایی

که در حرکت انسان به سمت سعادت اثر مثبت دارند به وسیله وحی و کسانی که به وحی متصل اند از رفتارهای منفی متمایز گردند.

### ۳-۱-۳. نظام علت و معلول در جهان بینی اسلام

از دیدگاه اسلام جهان دارای نظام متقن علی و معلولی است (ملک / ۳ و ۴). در مبانی فلسفی نظام سرمایه داری نیز نظام طبیعی پذیرفته شده است، ولی میان این دو دیدگاه دو تفاوت عمده وجود دارد:

۱. بر اساس دئیسم (دیدگاه سرمایه داری) خداوند پدید آورنده این نظم است، ولی در پایداری اش نقشی ندارد؛ در حالی که از دیدگاه اسلام خداوند نه تنها علت حدوث، بلکه علت بقای این نظم نیز به شمار می آید، و تنها او است که به اسباب سببیت می بخشد و هستی را پایدار نگه می دارد (هود / ۵۷؛ بقره / ۲۵۵).

بنابر این بر اساس دئیسم، نظم موجود جهان پیوسته ثابت است و علت ها همیشه علت می مانند، ولی بر اساس دیدگاه قرآن، خداوند قادر است هر گاه مصلحت بداند علیت را از هر علتی که بخواهد، سلب کند؛ چنان که در واقعه به آتش افکندن حضرت ابراهیم (ع) سوزاندگی را از آتش گرفت (انبیا / ۶۹).

۲. نظام طبیعی در مبانی فلسفی اقتصاد سرمایه داری، به جهان ماده محدود است، ولی از دیدگاه قرآن این نظم به جهان ماده منحصر نیست و مجردات را نیز شامل می شود. در این دیدگاه، دو نظام علت و معلولی مادی و مجرد بر جهان حاکم است (ملک / ۱؛ یس / ۸۳).

البته میان نظام علی و معلولی جهان مادی (ملک) و نظام علی و معلولی جهان مجرد (ملکوت) تضادی نیست، بلکه بین آن دو ارتباط نیز وجود دارد و گاه یک پدیده در جهان طبیعت دارای علل مادی و مجرد است. برای مثال، فقر پدیده شومی است که علاوه بر علل مادی علل مجرد نیز دارد. از این رو معصومان (ع) عواملی مانند کمک خواستن از خداوند، کردار نیک، صدقه دادن، نماز شب گزاردن و بسیار «لا حول و لا قوه الا بالله» گفتن را سبب از میان رفتن فقر ذکر کرده اند (ر. ک: محمد محمدی ری شهری، ج ۳، ص ۴۸).

قرآن کریم نیز به این گونه عوامل تصریح می نماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (اعراف / ۹۶)؛ «اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان

می آوردند و تقوا پیشه می کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم.»  
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (طلاق / ۲ و ۳)؛ «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد.»

حضرت امیر (ع) در این باره می فرماید:

خداوند بندگان خود را که به کارهای ناشایست مشغول اند، به کم شدن میوه ها و بستن در خزاین نعمت ها می آزماید تا توبه کننده متنبه شود و توبه کند و گناه را ترک کند و پند گیرنده پند گیرد. و خداوند سبحان استغفار را سبب فراوانی روزی و رسیدن رحمت قرار داد و فرمود: «از پروردگارتان آموزش بخواهید که او آمرزنده گناهان است. ابر را می فرستد تا پیاپی بر شما بیارد و شما را به مال ها و پسران کمک می دهد» (نوح / ۱۰ - ۱۲). پس خداوند رحمت کند کسی را که به توبه روی آورد و در برابر کردار زشتش طلب مغفرت کند و بر مرگ خود پیشی گیرد [پیش از مرگ توبه کند] (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳).

نتیجه آنکه شناخت عوامل مجرد پدیده های اقتصادی از عهده عقل و علم خارج است و تنها خداند حکیم است که به علل مزبور علم دارد و بدون وحی، انسان قادر نیست به این علل دست یابد.

بر اساس این مقدمات، از سوی سعادت انسان در «بیشینه کردن لذت های دنیوی و اخروی با تقدم لذت های اخروی» است و از سوی دیگر، انسان دارای دو بعد مادی و مجرد است و رفتارهای او در هر دو بعد اثر می گذارد و از سوی سوم، انسان در جهانی زندگی می کند که دو نظام علت و معلولی مجرد و مادی بر آن حاکم است و پدیده های طبیعی چون خشکسالی و اجتماعی چون فقر، دارای علل مادی و مجردند.

در این شرایط انسان ها چگونه باید رفتارها و روابط خود را در همه عرصه ها از جمله عرصه های اقتصادی تنظیم کنند تا با استفاده از نظام علت و معلولی حاکم بر جهان به سعادت دست یابند؟

بی تردید این کار از عهده عقل و علم خارج است؛ بلکه آن دو در تنظیم رفتارها و روابط و ارائه الگوهای مطلوب، نیاز به وحی دارند.

بر این اساس اگر اسلام نظامات اجتماعی و از جمله نظام اقتصادی را ارائه ننماید، مردم را هدایت نکرده و راه دست‌یابی به سعادت را به آنها نشان نداده است، در حالی که خداوند می‌فرماید: *إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا* (انسان / ۳)؛ «ما راه (سعادت) را به انسان نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس.»

### ۲-۳. شریعت اسلام بیانگر الگوهای مطلوب

این مطلب از دو طریق ذیل قابل اثبات است:

#### ۳-۱. استدلال به آیات و روایات دال بر جامعیت شریعت اسلام

برخی از مفسران از دو آیه ذیل استفاده کرده‌اند که قرآن مشتمل بر هر آن چیزی است که انسان در طریق هدایت به آن نیاز دارد:

– *مَا قَرَأْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ (انعام / ۳۸ و ر. ک: محمدحسین طباطبایی،*

*ج ۷، ص ۸۲-۸۴)؛ «ما هیچ چیز را در کتاب فروگذار نکردیم.»*

– *وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (نحل /*

*۸۹ و ر. ک: همان)؛ «ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز*

*و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.»*

از آنجا که در قرآن تنها کلیاتی از راه سعادت انسان و جامعه انسانی ذکر شده و بسیاری از این امور در روایات بیان گشته است، علامه طباطبایی فرموده‌اند یا مقصود از کتاب، لوح محفوظ است یا مقصود از تبیان، دلالت از طریق لفظ نیست (ر. ک: همان). روایات فراوانی نیز بر این امر دلالت دارند که شریعت اسلام نظام اجتماعی مطلوب را برای اداره جامعه ارائه کرده و همه چیز در این شریعت بیان شده است، مانند:

۱. سعید اعرج به امام صادق (ع) عرض می‌کند: «برخی از متفقان می‌گویند ما در مسائلی که به حکم آن در کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) دست نیافته‌ایم به رأی خود عمل می‌کنیم» حضرت در جواب می‌فرماید: «دروغ می‌گویند! هیچ چیز نیست مگر آنکه [حکم آن] در کتاب و سنت وجود دارد.» (جامع الاحادیث، ج ۱، ص ۲۷۵).

۲. ابو حمزه ثمالی از امام باقر (ع) نقل می‌کند: رسول خدا (ص) در حجة الوداع خطبه خواند و چنین فرمود: «ای مردم، به خدا سوگند هیچ چیز نیست که شما را به بهشت نزدیک و از آتش دور کند، مگر آنکه شما را به آن امر کردم و هیچ چیز نیست که شما را به

آتش نزدیک و از بهشت دور نماید، مگر آنکه شما را از آن نهی کردم.» (محمدباقر مجلسی، ج ۲۶، باب ۱).

این دو روایت همانند بسیاری از روایات دیگر (ر. ک: همان، ص ۳۳ و ج ۲، ص ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۳۰۵؛ جامع الاحادیث، ج ۱، ص ۶۷) اطلاق داشته، شامل حوزه‌های مختلف، از جمله اقتصاد می‌شود. بر این اساس هیچ رفتار یا رابطه‌ای در اقتصاد نیست مگر آنکه حکم آن در اسلام بیان شده و در مورد آن امر یا نهی خاص یا عامی صادر شده است. این احکام را می‌توان با استفاده از روش اجتهاد، از آیات و روایات استنباط کرد و سپس الگوهای رفتاری مطلوب و مورد نظر اسلام را از آن احکام به دست آورد.

### ۳-۲. بررسی آیات و روایات فقهی

آیات و روایات فراوانی حاوی آموزه‌ها و احکامی است که روابط انسان را با خود، خدا، طبیعت و انسان‌های دیگر تنظیم می‌کند؛ قوانینی که به تعبیر حضرت امام (ره)، تئوری واقعی و کامل ادارهٔ انسان و اجتماع از گهواره تاگور است. آموزه‌های مزبور در عرصه اقتصاد ترسیم‌کنندهٔ نظام اقتصادی ویژه‌ای است که اهداف خاصی را دنبال می‌کنند. بی‌تردید حکمت و علم‌بی‌پایان خداوند اقتضا می‌کند که این آموزه‌ها با توجه به هدف‌گایی (کمال و تقرب انسان‌ها به خدا) و براساس بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی تشریح شده و همهٔ ابعاد وجودی (مادی و معنوی) انسان را در تمام عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مانند آن در نظر گرفته باشند.

### ۳-۳. شریعت اسلام شریعتی ثابت و جهان‌شمول

پیش از این جامعیت و جهان‌شمولی شریعت اسلام را اثبات کردیم. بر ثبات شریعت از طرق ذیل می‌توان استدلال کرد:

۱. روایات متعددی بر ثابت بودن احکام شریعت تا روز قیامت دلالت دارند، از جمله در روایتی امام باقر (ع) می‌فرماید:

جد من رسول خدا (ص) چنین فرمود: «ای مردم، احکامی را که من حلال کردم تا روز قیامت حلال است و احکامی را که حرام کردم تا روز قیامت حرام است. آگاه باشید که خداوند - عزوجل - حلال‌ها و حرام‌ها را در قرآن بیان کرده است و من آنها را در سیره و سنت خود بیان کرده‌ام...» (ر. ک: همان، ج ۲، ص ۱۷۲ و ۲۶۰، ج ۶، ص ۹۳،

ج ۱۱، ص ۵۶، ج ۱۲، ص ۷، و ج ۳۶، ص ۱۳۲).

۲. سیره ائمه معصومین (ع) در بیان احکام مکلفین، استناد به آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) و ائمه پیش از خود بوده است. همچنین فقیهان عصر ائمه و پس از آن برای استنباط احکام به آیات و روایات استناد می کردند. با توجه به اینکه عصر حضور معصومین (ع) بیش از دو قرن به طول انجامیده و در این دو قرن تحولات گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رخ داده است و پس از آن نیز تا کنون دنیای اسلام شاهد دگرگونی های فراوانی به ویژه در عرصه اقتصاد بوده، استناد ائمه (ع) و فقیهان به آیات و روایات دلیل روشنی بر عدم اختصاص این نصوص به زمان صدور آنها است.

۳. آیات و روایاتی که بیانگر احکام و قوانین شریعت اسلام اند، اطلاق مقامی دارند؛ یعنی در مقام تشریح و قانون گذاری صادر شده اند، بدون آنکه برای آنها غایتی از جهت زمان ذکر شده باشد. در این موارد عقلاً به استمرار حکم و حجیت آن بر همه مکلفان در همه زمان ها حکم می کنند.

۴. آیات و روایات مزبور غالباً به صورت قضیه حقیقه (ر. ک: جعفر سبحانی، ج ۲، ص ۴۲-۴۴) صادر شده و دارای اطلاق لفظی اند. در نتیجه بر همه افراد موجود و آیندگان قابل صدق اند.

غالب آیات و روایاتی که بیانگر حکم یا قانون شرعی اند، چنین محتوایی دارند؛ مانند:  
- خداوند در مورد مصرف زکات می فرماید:

أَتْمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ... (توبه / ۶۰)؛ همانا  
جمع صدقات [زکات ها] متعلق به فقرا و مساکین و کارگزاران و...  
می باشد.

- در قرآن کریم راجع به انفال آمده است:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ قُلِ الْإِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ (انفال / ۱)؛ [ای پیامبر] از تو از انفال  
می پرسند. بگو انفال برای خدا و رسول است.

- از امام صادق (ع) روایت شده است:

الامام يقضى عن المؤمنين الديون ما خلا مهوور النساء؛ (حر عاملی، ج ۱۸، ص ۲۳۷). امام (ولی امر مسلمین) دیون مؤمنین را به غیر از مهریه زنان می پردازد.

۲- امام باقر (ع) فرمودند:

إذا كان على الرجل دين إلى أجل ومات الرجل هل الدين؛ (همان، ص ۳۴۴)  
هنگامی که بر عهده فرد، دینی است که مدت معین دارد، اگر قبل از آن  
مدت معین بمیرد، دین حال می شود.

این گونه آیات و روایات که حکم در آنها به صورت قضیه حقیقیه بیان شده تا همه  
زمان ها، مکان ها و افراد را در بر گیرد، در همه ابواب فقه به وفور وجود دارند و بیانگر  
احکام و قوانین ثابت و جهانشمول اسلام اند. افزون بر این، در برخی روایات حکم همراه  
علت (همان، ص ۳۳۹) یا قاعده کلیه (همان، ص ۱۵۳) بیان شده و آن علت یا حکم  
قابل تخصیص به زمان یا افراد خاصی نیست.

در اکثر روایات حکم به گونه ای بیان شده است که تخصیص آن به زمان صدور  
روایت خلاف ظاهر و غلط است. نتیجه آنکه شریعت اسلام که از طریق آیات و روایات و  
استدلال های عقلی به ما رسیده است، شریعتی ثابت است و تغییرناپذیر است.

در خاتمه این نکته را متذکر می شویم که در منابع اسلامی الگوی رفتاری و روابط  
به مفهوم علمی آن در زمان ما ارائه نشده است؛ اما مواد و عناصری وجود دارد که بتوان  
به کمک تحلیل های عقلی و ابزارهای علمی، رفتار مصرف کننده را تحلیل کرد. این سه  
عنصر در مورد رفتار مصرفی فرد مسلمان در منابع اسلامی به صورت مستقیم یا  
غیرمستقیم در قالب امر و نهی های فقهی و یا تعالیم اخلاقی بیان گشته است. به عبارت  
دیگر شریعت اسلام مواد خام الگوها را بیان کرده است. فقیه می تواند با استفاده از  
روش های علمی زمان خود، از این مواد جهت تبیین و تحلیل رفتارها و روابط مسلمان ها  
در نظام اسلامی استفاده کند.

### ۳-۴. نظریه ثبات شریعت و مدیریت تحولات

اندیشه ویران و فقیهان بزرگ اسلام چون حضرت امام خمینی (ره) شریعت اسلام را  
شریعتی جامع و ثابت می دانند. حضرت امام در این باره می فرماید: «فقه، تئوری واقعی و  
کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.» (روح الله موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱،  
ص ۲۸۹).

«اسلام» مکتبی است که برخلاف مکتب های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و

اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته - ولو بسیار ناچیز - که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار نکرده است.» (همو، ص ۴۰۲).

روایات بسیاری نیز بر جامعیت شریعت دلالت دارند. برای نمونه، امام صادق (ع) در برابر کسانی که می گفتند: در مسائلی که حکم آن در کتاب و سنت پیامبر (ص) نیست، به رأی خود عمل می کنیم، می فرماید: «دروغ می گویند! هیچ چیز نیست مگر آنکه [حکم آن] در کتاب و سنت وجود دارد.» (ر. ک: جامع الاحادیث، ج ۱، ص ۲۷۵؛ محمدباقر مجلسی، ج ۲۶، ص ۳۳ و ج ۲، ص ۱۶۹، ۱۷۰ و ۳۰۵).

روایات متعددی نیز بر ثبات شریعت دلالت می کنند: از جمله اینکه امام باقر (ع) می فرماید: «جد من رسول خدا (ص) فرمود: ای مردم، احکامی را که من حلال کردم، تا روز قیامت حلال است و احکامی را که حرام کردم، تا روز قیامت حرام است.» (ر. ک: محمدباقر مجلسی، ج ۲، ص ۱۷۲ و ۲۶۰، ج ۶، ص ۹۳، ج ۱۱، ص ۵۶، ج ۱۲، ص ۷، ج ۳۶، ص ۱۳۲).

این در حالی است که تحول چشمگیر جوامع بشری از زمان تشریح تاکنون، به ویژه در دو قرن اخیر، این پرسش را برانگیخته که جامعیت و ثبات شریعت اسلام چگونه با تحول جوامع بشری سازگار است. چگونه ممکن است احکامی ثابت در همه عرصه ها برای همه مردم و در همه زمان ها، رفتارها و روابط انسان ها را به سوی اهداف مورد نظر اسلام سامان دهد؟

این پرسش درباره متن شریعتی است که به وسیله خداوند، تشریح، و از طریق پیامبر (ص) و امامان (ع) تبلیغ شده است، نه درباره طریق کشف آن در عصر اجتهاد. به عبارت دیگر، پرسش از نقش زمان و مکان در شریعت است، نه از نقش این دو در اجتهاد؛ ولی در عین حال، این دو پرسش با یکدیگر مرتبط اند و پاسخ پرسش اول در یافتن پاسخ پرسش دوم تأثیر دارد.

این بحث در حوزه احکام اقتصادی نیز که منشأ کشف مکتب و نظام اقتصادی اسلام است به همین صورت مطرح می شود. لازمه جامعیت و ثبات شریعت اسلام آن است که در سه حوزه تولید و توزیع و مصرف، از بیان حکم هیچ رفتار یا رابطه ای فروگذار نکرده باشد و احکام آن نیز ثابت و جهان شمول باشد. به عبارت دیگر، لازمه جامعیت و ثبات



شریعت اسلام آن است که اسلام دارای نظام اقتصادی جامع، ثابت و جهان شمول باشد. آن گاه این پرسش تکرار می شود که جامعیت و ثبات، چگونه با تحولات سریع و گسترده رفتارها و روابط در این حوزه سازگار است.

شهید صدر (ره) در پاسخ به این پرسش در کتاب اقتصادنا، نظریه‌ای تحت عنوان «منطقة الفراغ» مطرح کرده است. پس از او، گروهی از نویسندگان در صدد توضیح این نظریه و رفع اشکالات و گاهی تعدیل آن برآمدند؛ ولی هنوز اشکالاتی باقی است و به نظر می رسد که این نظریه در پاسخ به پرسش پیش گفته، موفق نیست.

در این بخش، پس از توضیح و نقد این نظریه، نظریه جایگزین تبیین می گردد که به نظر نگارنده پاسخ روشنی برای این پرسش بوده و با احادیث جامعیت و ثبات شریعت نیز سازگار است.

### ۳-۴-۱. بیان موضوع

پرسش «چگونگی سازگاری ثبات شریعت و تحول جوامع» در احکامی مطرح می شود که موضوعات آنها در تغییر و تحول است. موضوع احکام شرعی با یکی از روابط چهارگانه ذیل مرتبط است:

۱. رابطه انسان با خود؛ ۲. رابطه انسان با خداوند؛ ۳. رابطه انسان با طبیعت؛ ۴. رابطه انسان با دیگران.

در اسلام برای تنظیم روابط پیشین، به گونه‌ای که انسان و جامعه در مسیر سعادت دنیا و آخرت قرار گیرد، احکامی تشریح شده است. پرسش پیش گفته به طور عمده درباره احکامی مطرح می شود که برای تنظیم رابطه انسان با طبیعت و روابط اجتماعی انسان تشریح شده است؛ زیرا این روابط با تغییر زمان و مکان تغییر می کنند و با پیشرفت علم و فناوری متحول می شوند. تغییراتی که در اثر پیشرفت علم و فناوری و دستیابی انسان به ابزار و وسایل و تکنیک‌های جدید برای تسلط بر طبیعت و تسهیل و تسریع در ایجاد روابط اجتماعی حاصل می شود.

### ۳-۴-۲. نظریه منطقه الفراغ

شهید بزرگوار مرحوم صدر (ره)، در دو موضع از کتاب اقتصادنا به تبیین نظریه خود پرداخته است (ر. ک: سید محمدباقر صدر، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۸۰-۳۸۲ و ۶۸۶-۶۹۱). برخی از شاگردان او نیز نظریات استاد را توضیح داده‌اند (ر. ک: احمدعلی یوسفی،

۱۳۷۹، ص ۷۵، ۸۳ و ۸۴؛ اندیشه‌ماندگار، ش ۱، ص ۱۶ و ۱۷). براساس این نظریه شریعت اسلام مشتمل بر دو بخش است: بخشی که مشتمل بر تشریحات الهی ثابت و «منجز» است و قابل تغییر و تبدیل نیست و بخشی که به ولی امر واگذار شده و از ناحیه خداوند، تشریح ثابتی که قابل تغییر نباشد وجود ندارد و ولی امر براساس اهداف کلی اسلام و اقتضائات آنها در این بخش حکم می‌کند. بخش دوم همان منطقه الفراغ است؛ یعنی منطقه فارغ از تشریحات ثابت و غیر قابل تغییر.

شریعت اسلام، شریعتی موقت نیست؛ بلکه ابدی و جهان شمول است و با توجه به تطور جوامع باید بر عنصری متغیر مشتمل باشد تا بتواند به صورت طرح ابدی و جهان شمول برای اداره جوامع و سوق دادن آنها به سعادت دنیا و آخرت به کار رود. برای آنکه این مطلب روشن شود، باید جوانب متغیر زندگی انسان را تعیین کرده، تاثیر آن را بر طرح تشریحی اسلام که تنظیم کننده حیات انسانی است، توضیح دهیم.

در زندگی انسان دو نوع رابطه وجود دارد: رابطه انسان با طبیعت و رابطه انسان با انسان‌های دیگر. رابطه اول متوقف بر وجود جامعه نیست؛ ولی از آن متأثر است. وجود جامعه سبب انباشته شدن تجارب و رشد سرمایه بشری برای شناخت طبیعت و به تبع آن، توسعه نیازها و تمایلات او است؛ اما رابطه او را با دیگر انسان‌ها تنظیم نمی‌کند.

رابطه انسان با طبیعت در طول زمان تحول می‌یابد و در پی مشکلات جدیدی که انسان با آن مواجه می‌شود و راه حل‌های متنوعی که برای مشکلات مزبور می‌یابد، وسائل و روش‌های او برای تسخیر طبیعت و استفاده از آن قوی‌تر و کارا تر می‌شود؛ اما رابطه انسان با انسان‌های دیگر به طور طبیعی متحول نیست؛ زیرا این روابط برای حل مشکلات ثابتی است؛ بدین سبب اصل آن روابط ثابت است؛ گرچه احتمال دارد شکل ظاهری آنها تغییر کند. برای مثال، هر ملتی که در اثر ارتباط با طبیعت به ثروتی دست یابد، به قاعده توزیع نیاز دارد و تفاوتی نمی‌کند که با ابزار و روش‌های ساده یا با ابزار و روش‌های پیچیده و پیشرفته تولید کند. از این رو، تشریحاتی که چنین روابطی را براساس دیدگاه اسلام از عدالت تنظیم می‌کند، از جهت نظری می‌تواند ثابت باشد؛ زیرا برای حل مشکلات ثابتی است؛ پس طبیعی است که اسلام، اصول نظری و تشریحی خود را به صورت اصولی ثابت که می‌تواند روابط انسان‌ها را با یکدیگر در عصرهای گوناگون تنظیم کند، ارائه دهد؛ ولی این بدان معنا نیست اسلام درباره جهات متحول

زندگی انسان، یعنی رابطه انسان با طبیعت اهمال کرده است؛ زیرا تحول این رابطه و پیشرفت انسان در استفاده از طبیعت، طرحی را که عدالت اجتماعی بر آن مبتنی است، تهدید می کند. در عصری که وسایل کشاورزی مکانیزه شده است نمی توان گفت: هر کس زمینی را آباد کند، مالک آن است؛ زیرا در این صورت، افراد اندکی که قادرند زمین های بسیاری را آباد کنند، به مالکان بزرگ تبدیل می شوند و این، توزیع عادلانه را که از اهداف مهم اسلام است، با خطر مواجه می سازد. برای جلوگیری از این تهدید، لازم است در طرح تشریحی، منطقه ای خالی در نظر گرفته شود که در آن، ولی فقیه براساس مقتضیات زمان و در جهت اهداف اسلام حکم کند. اما حدود و مرزهای منطقه فراغ تا کجا است؟

منطقه فراغ شامل افعالی است که برای آنها حکم الزامی (وجوب و حرمت) از ناحیه خداوند تشریح نشده است؛ بلکه حکم شرعی اولیه آنها استحباب، کراهت یا اباحه است. در این موارد، ولی فقیه می تواند براساس مصالح و اهداف اسلام و نیز براساس اصول کافی به دست آمده از منطقه پر تشریح، به وجوب یا حرمت حکم کند؛ البته در موارد حکم الزامی نیز ولی فقیه می تواند در صورت تشخیص تراحم احکام، به تقدیم اهم بر مهم حکم کند که این بحث دیگری است.

۳-۴-۳. نقد نظریه شهید صدر

۱. از کلمات شهید صدر (ره) استفاده می شود که وی تغییر رابطه انسان با طبیعت را امری طبیعی، و ناشی از طبیعت انسان می داند. انسان، موجودی متفکر و خلاق است و از پیشرفت او در این زمینه نمی توان جلوگیری کرد؛ زیرا این کار به منزله زندانی کردن فکر بشر است. بنابراین، اسلام برای تنظیم این روابط، طرح ثابتی را تعیین نمی کند؛ ولی رابطه انسان ها با یکدیگر چنین نیست. این روابط برای حل مشکلات ثابتی است؛ پس هیچ مانعی وجود ندارد که اسلام برای تنظیم این روابط، طرح تشریحی ثابتی داشته باشد. از این کلام دو قضیه کلیه به صورت ذیل استفاده می شود.

یک. روابط انسان ها با یکدیگر برای رفع نیازهای ثابتی است؛

دو. روابط انسان ها با طبیعت، پیوسته در تغییر و تحول است.

شهید صدر (ره)، بر این دو ادعای کلی، دلیل جامع و مانعی اقامه نکرده است. واقعیت آن است که در هر دو بخش، ثابتات و متغیراتی وجود دارد و ذهن خلاق انسان در

هر دو حوزه به ابزار، روش‌ها و روابط جدید دست می‌یابد.

انسان با تصرف در طبیعت به تولید کالاهای کشاورزی و مواد اولیه و برخی ابزارهای مورد نیاز می‌پردازد و با پیشرفت علوم و فنون و افزایش تجربیات، روز به روز به اکتشافات و اختراعات جدید دست می‌یابد. به وسیله ابزارها و روش‌های جدید، توانایی تسخیر بیشتر طبیعت و تولید کالاهای خدمات جدیدتر را می‌یابد. در کنار نیازهای ثابت - مانند نیاز به خوراک، پوشاک و مسکن - نیازهای جدیدی همچون نیاز به یخچال، تلویزیون، خودرو و رایانه شکل می‌گیرد که نتیجه اختراعات و اکتشافات جدید است.

همچنین ارتباط انسان‌ها با یکدیگر در حال تغییر و تکامل است. دست‌یابی به ابزار و ماشین‌آلات پیشرفته، افزون بر تسهیل و تسریع و تعمیم روابط پیشین، نیاز به روابط جدید و در نتیجه، قوانین حقوقی، قضایی و جزایی جدید را می‌آفریند. این تغییرات از تغییر و تکامل رابطه انسان با طبیعت سرچشمه می‌گیرد. برای نمونه، وقتی از عصر کشاورزی وارد عصر صنعت می‌شویم، اختراع وسائل حمل و نقل جدید چون خودرو، قطار و هواپیما، اختراع دستگاه چاپ، فیلم‌برداری، رادیو، تلویزیون و تلفن و دیگر وسایل ارتباط جمعی و سرانجام اختراع رایانه، اینترنت و دستگاه‌های هوشمند، روابط انسانی را به کلی متحول می‌کند و حق و حقوق جدیدی برای افراد می‌آفریند و وضع قوانینی را می‌طلبد که قادر باشد روابط انسانی را در عصر مدرن و پست مدرن در جهت اهداف مورد نظر تنظیم و هماهنگ کند. همچنین انسان برای تسریع و تسهیل روابط اجتماعی در طول زمان، ابزارهایی را اختراع می‌کند که گاه روابط مزبور را به کلی دگرگون، و تنظیم دوباره روابط را از طریق وضع قوانین جدید اقتضا می‌کند. روشن‌ترین مثال برای این مطلب، اختراع پول فلزی، کاغذی و اعتباری و اختراع بانک و اوراق مالی همچون اوراق قرضه، سهام مشارکت و تأسیس بازارهای مالی ثانوی است.

افزون بر این، فکر خلاق بشر در حوزه روابط اجتماعی نیز به صورت مستقیم گاه به یافته‌های جدید دست می‌یابد؛ برای مثال، عقد بیمه را که در پی آن، صنعت بیمه با انواع و اقسام گوناگون ظهور می‌کند، می‌توان نام برد. بنابراین در هر دو حوزه رابطه او با دیگران، نیازهای ثابتی وجود دارد و در هر دو حوزه نیز فکر خلاق بشر به کار می‌افتد و با اکتشافات و اختراعات جدید، هم ابزارها و روش‌های تأمین نیازهای پیشین تغییر می‌کند و هم نیازهای جدید پدید می‌آید.

۲. شهید صدر (ره) معتقد است: تغییر و تکامل رابطه انسان با طبیعت در برخی موارد طرح تشریح اسلام را برای تنظیم روابط اجتماعی تهدید می‌کند. برای جلوگیری از این تهدید، در طرح تشریحی، منطقه الفراغ در نظر گرفته شده، و ولی فقیه در این منطقه که فارغ از حکم تشریحی ثابت است، با حکم ولایی خود موانع را بر طرف می‌کند. از سوی دیگر، وی در طرح تشریحی، منطقه الفراغ را بر احکام مباح، مکروه و مستحب تطبیق کرده، احکام واجب و حرام را در منطقه پر تشریح که دست ولی فقیه از آن کوتاه است، قرار می‌دهد.

سؤال: احکام وضعیه در کدام منطقه قرار دارند؟ آیا ولی فقیه می‌تواند به دلیل مصالح به صحت قراردادی حکم کند که شرع به ابطال آن حکم کرده است؟ این پرسش در نظریه شهید صدر (ره)، پاسخ روشنی ندارد.

اشکال دیگر این است که وقتی سخنان شهید صدر (ره) در ضرورت وجود منطقه الفراغ، با نظر وی در تبیین حدود منطقه الفراغ کنار هم گذاشته شود، خود به خود، این نتیجه حاصل می‌شود که طرح تشریحی در روابطی که شارع در آنها حکم لزومی کرده است، از سوی تغییر رابطه انسان با طبیعت تهدید نمی‌شود؛ یعنی تغییر رابطه انسان با طبیعت هیچ گاه سبب نمی‌شود که ولی فقیه در روابطی که موضوع وجوب یا حرمت قرار گرفته است، مجبور شود به ملاک مصالح، حکم آنها را تغییر دهد؛ در حالی که هیچ دلیلی بر این مطلب اقامه نشده است.

۳. شهید صدر (ره) معتقد است: در روابطی که حکم اولیه آنها استحباب، کراهت یا اباحه است، ولی فقیه می‌تواند بر اساس اهداف اسلام و اصول کافی به دست آمده از منطقه پر تشریح، به وجوب یا حرمت حکم کند؛ ولی در جایی که حکم لزومی شرعی وجود دارد، فقط در صورتی که تزامم رخ دهد می‌تواند به تقدیم اهم حکم کند.

به نظر می‌رسد که در هر دو مورد، ولی فقیه حکم تشریحی ندارد و حتی در موارد استحباب، کراهت یا اباحه نیز از باب تزامم به تقدیم اهم حکم می‌کند. برای توضیح مطلب، ذکر چند مقدمه لازم است:

یک. چنان که گذشت، بر اساس احادیث متعددی، شریعت اسلام، شریعت جامع و ابدی است و برای همه افعال بشری در همه حوزه‌های زندگانی حکمی معین تشریح کرده است؛ البته شهید صدر (ره) نیز این مقدمه را می‌پذیرد که اسلام برای هر فعلی حکمی

دارد؛ ولی احکام غیر لزومی اسلام را قابل تغییر می‌داند.

دو. عالمان شیعه اتفاق نظر دارند که احکام براساس مصالح، انشا شده‌اند. این اتفاق همان گونه که وجوب و حرمت را شامل می‌شود، کراهت، استحباب و اباحه را نیز در بر می‌گیرد؛ برای مثال، اگر شارع در فعلی به استحباب حکم کرده، مفهوم آن این است که آن فعل مصلحت دارد؛ گرچه مصلحت آن به حد لزوم نرسیده است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که ولی فقیه به چه مجوزی می‌تواند حکم استحباب را که براساس مصلحت موجود در فعل، انشا شده است به حرمت تبدیل کند. هیچ مجوزی برای این کار جز تراحم این مصلحت با مفسد دیگری که پرهیز از آن لازم است، تصور نمی‌شود. در این صورت، فرقی بین احکام لزومی و غیر لزومی نیست و در هر دو مورد، ولی فقیه از باب تراحم به تقدیم اهم بر مهم حکم می‌کند.<sup>۱</sup>

#### ۳-۴. نظریه برگزیده

شریعت اسلام، شریعتی جامع و ابدی به شمار می‌رود و در عین حال، کیفیت تشریح به گونه‌ای است که از سویی مانع ابتکارات، خلاقیت‌ها و پیشرفت انسان در روابط او با طبیعت و انسان‌های دیگر نمی‌شود و از سوی دیگر اجازه نمی‌دهد که این خلاقیت‌ها در جهت خلاف اهداف مورد نظر اسلام به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، از تغییرات جلوگیری نمی‌کند؛ بلکه آنها را در جهت اهداف شریعت سوق می‌دهد. برای توضیح بیشتر این نظریه، به مقدماتی نیاز داریم.

۱. در حل مسئله ثبات شریعت و تحول جوامع، تشخیص اینکه دگرگونی‌ها در چه حوزه‌ای و تا چه حدی صورت می‌گیرد، مهم نیست. مهم آن است که بدانیم این تغییرات به دست انسان و به اراده او صورت می‌پذیرد؛ از این رو قابل جهت‌دهی و مدیریت است. پیشرفت علوم و فنون و روش‌ها و اختراعات و اکتشافات که منشأ اصلی تغییر روابط شمرده می‌شود، امری ارادی است و انسان با اختیار خود به این امور می‌پردازد؛ بنابراین، از نظر منطقی این امکان وجود دارد که از سویی با تربیت انسان‌ها، اندیشه آنها خود به خود در جهتی سازگار با اهداف شریعت به کار رود و ابتکارات و خلاقیت‌های خود را در صراط مستقیم به کار گیرند و از سوی دیگر، با وضع قوانینی، از تغییرات ناسازگار با اهداف شریعت جلوگیری شود.

۱. این مطلب در توضیح نظریه برگزیده روشن تر خواهد شد.

۲. مکاتب بشری یا الهی رفتارها و روابط اجتماعی را به سمت اهداف مورد نظر خود سامان می‌دهند و منطق عقلانی اقتضا می‌کند از تغییراتی که در جهت خلاف اهداف باشد، جلوگیری کنند. در اسلام نیز خداوند در تشریح، رفتارها و روابط اجتماعی را در همه عرصه‌های زندگی به گونه‌ای سامان داده است که همه انسان‌ها بتوانند به تناسب استعدادهایشان از پلکان ترقی بالا رفته، به قله کمال نزدیک شوند. بدیهی است در این طرح باید اعتقادات، اندیشه‌ها، رفتارها و روابطی که سقوط انسان را در پی دارد، ممنوع شود، و گرنه با حکمت خداوند ساگار نیست. در عین حال، باید راه برای به کارگیری اندیشه‌ها و خلاقیت‌ها و ابتکارات در جهت اهداف باز باشد؛ زیرا در غیر این صورت، انسان از تکامل مادی و معنوی باز می‌ماند که این نیز با هدف اسلام ناسازگار است.

بر این اساس، شریعت اسلام نه از پیشرفت علم و فن به صورت مطلق جلوگیری می‌کند که نتیجه آن سد باب تغییر در جوامع بشری است و نه راه را به کلی باز می‌گذارد تا انسان، استعدادهای خود را در هر زمینه‌ای به کار گیرد و در هر مسیری پیش رود که نتیجه آن وقوع تغییراتی است که با اهداف شریعت تناقض دارد؛ بلکه به تغییرات جهت می‌دهد و مقصود از «مدیریت تغییرات» همین پالایش و جهت‌دهی به آنها است.

۳. مقصود از جامعیت و ثبات شریعت اسلام این نیست که هر مصداقی از مصادیق روابط در شریعت، حکمی ثابت دارد و شریعت اسلام حکم هیچ مصداقی را فروگذار نکرده است؛ بلکه مقصود آن است که در ظرف عناوینی که بر افعال و روابط منطبق می‌شوند، حکم هیچ عنوانی فروگذار نشده است و شریعت، برای همه عناوین، حکمی ثابت و جهان‌شمول دارد.

همچنین در ظرف عناوین نیز مقصود از جامعیت و ثبات شریعت این نیست که هر عنوان منطبق شده بر فعلی از افعال، خودش موضوع حکم ثابت شریعت است؛ بلکه مقصود آن است که یا خود این عنوان یا عنوان عامی که این عنوان ذیل آن قرار می‌گیرد، موضوع حکم شریعت به شمار می‌رود. برای مثال، اجاره، عنوانی است که بر یک نوع رابطه خاص معاملی دلالت دارد. این عنوان در شریعت اسلام موضوع حکم جواز است. همچنین عنوان ربا در شریعت اسلام حکم حرمت دارد؛ ولی بیمه عنوانی است که بنا بر قول برخی فقیهان بر نوعی عقد جدید معاملی دلالت می‌کند و با این عنوان موضوع حکمی نیست؛ ولی عنوان عقد که عنوان عامی است و شامل بیمه نیز می‌شود، موضوع

حکم و جوب و وفا قرار گرفته است و حکم بیمه را به روشی که خواهیم گفت می توان از حکم عناوین دیگر به دست آورد. به هر حال، جامعیت و ثبات شریعت درباره مصادیق امکان ندارد و نمی توان چنین ادعایی را پذیرفت؛ ولی درباره عناوین به گونه ای که گذشت، امکان پذیر است.

با این حال، جای این پرسش باقی است که این مدیریت و جهت دهی چگونه صورت می گیرد. چگونه طرح تشریحی ثابت و جامع، تغییرات را در جهت اهداف مورد نظر خود هدایت می کند؟ پاسخ این پرسش در روش تشریح احکام نهفته است. روش تشریح به گونه ای است که چنین قابلیت را دارد.

۴. روش تشریح احکام مربوط به رفتارها و روابط اجتماعی در شریعت اسلام، با توضیح گزاره های سه گانه ذیل روشن می شود:<sup>۱</sup>

یک، احکام شریعت به صورت قضایای حقیقیه تشریح شده اند. قضیه حقیقیه، قضیه کلیه ای است که موضوع آن بر مصادیق موجود در حال و آینده صدق می کند (ر. ک: روح الله موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۸۵ - ۲۸۷). برای مثال در آیه *أحل الله البيع و حرم الربا* (بقره / ۲۷۵)، حکم حلیت و حرمت برای عنوان بیع و عنوان ربا به صورت مطلق تشریح شده است. از این رو هر مصداقی که در هر زمان بر آن بیع (خرید و فروش) صدق کند، حلال است و این حکم مختص مصادیق تحقق یافته در زمان حضرت رسول (ص) نیست. درباره ربا نیز چنین است. این ویژگی در تشریح، مشکل «مصادیق مستحدثه» را حل می کند. بنابراین، مصادیق مستحدثه در صورتی که عنوان بیع بر آنها صدق کند، مشمول حکم حلیت اند.

دو، عناوین رفتارها و روابط در سه طبقه دسته بندی می شود.

عناوینی که موضوع احکام شرعی هستند و به ترتیب شمولیت، سه نوع اند: عناوین اولیه، عناوین ثانویه و عناوین عامه.

عناوین اولیه، عناوین ذاتی و مستقیم افعال (رفتارها و روابط) مکلف اند. هر فعلی دارای عنوانی ذاتی است که در همه حالات بر آن فعل صدق می کند. برای مثال، خوردن، آشامیدن، وضو گرفتن، غسل کردن، خرید و فروش، اجاره، و قرض دادن، ۱. شایان ذکر است که به دلیل آشنایی بیشتر نویسنده با فقه معاملات، اغلب تطبیقات و مثال ها به باب معاملات اختصاص دارد؛ ولی گزاره ها کلی و قابل تعمیم است.



عناوین اولی افعال خاصی هستند.

عناوین ثانویه، عناوینی عرضی هستند که فقط در صورت وجود وضعیت خاص بر افعال صدق می کنند. برای مثال، اسراف عنوانی است که بر افعالی که از حد اعتدال خارج می شود صدق می کند. از این رو، به خوردن، آشامیدن و پوشیدن و خرج کردن بیش از حد اسراف گفته می شود. همچنین عنوان ضرر یا حرج از عناوین ثانویه هستند؛ یعنی هر فعلی در برخی حالات، ضرری یا حرجی می شود؛ مثل وضو که برای مریض ضرر دارد و برای پیرمرد در هوای سرد در صورتی که دست یابی به آب، نیازمندی مسافت بسیاری باشد، حرجی شمرده می شود. در معاملات، عنوان غبن و غرر، عنوان ثانوی است؛ زیرا چنانچه در معامله، قیمت مورد توافق با قیمت بازار اختلاف فاحش داشته باشد، معامله غبنی است و در صورتی که درباره عوض یا معوض یا شرایط معامله جهل یا خطر وجود داشته باشد، معامله غرری است و عنوان اولیه معامله غبنی یا غرری می تواند بیع، اجاره، مزارعه، مساقات و مانند آن باشد.

عناوین ثانویه همچنین به عناوینی گفته می شود که بر حالات ویژه عارض بر انسان مکلف صدق می کند. انسان موضوع احکام شرعی، انسان بالغ، عاقل و قادر است. احکام شرعی در صورت علم و اختیار انسان عاقل و بالغ منجز می شوند. عروض حالاتی چون جهل، نسیان، اضطراب، اکراه و مانند آن حکم شرعی را از تنجز ساقط می کند.

همچنین عروض عناوینی چون جنون و عجز موضوع حکم شرعی را مرتفع می سازد. عناوین عامه در مقایسه با عناوین اولیه به منزله جنس اند و شامل تعداد بسیاری از عناوین اولیه می شوند. فرق عناوین عامه با عناوین ثانویه آن است که عناوین عامه در همه حالات بر عناوین اولیه افعال صدق می کنند؛ در حالی که عناوین ثانویه فقط در وضعی خاص صادق اند؛ برای مثال، عنوان عقد، عنوان عامی است که همه معاملاتی را که ایجاب و قبول در آن معتبر است، در بر می گیرد و همواره بر آنها صادق است؛ البته عناوین عامه نیز ممکن است در مقایسه با یکدیگر دارای مراتب گوناگونی از شمولیت، و به اصطلاح فنی، کلی اضافی باشند.

سه. در شریعت اسلام، موضوع احکام شرعی، عناوین اولیه، ثانویه و عامه اند.

خداوند حکیم با علم بیکران و حکمت متعالیه خود، احکام مزبور را به گونه ای تشریح کرده است که انسان و جامعه انسانی در صورت عمل به این احکام به سعادت دنیا و

آخرت دست یابند. در ظرف عناوین، هیچ منطقه خالی از تشریح وجود ندارد. منطقه الفراغ در این ظرف نیست، و مقصود از جامعیت شریعت نیز همین است. همچنین احکام عناوین مزبور، ابدی و تغییرناپذیرند؛ گرچه ممکن است حکم مصادیق در مقام تطبیق تغییر کند. چهار. احکام عناوین ثانویه بر احکام عناوین اولیه و عناوین عامه مقدم اند و احکام عناوین اولیه، احکام عناوین عامه را تخصیص می‌زنند.

تقدم احکام عناوین ثانویه بر احکام عناوین دیگر، تحت عنوان حکومت یا ورود در اصول فقه بحث شده و همچنین تقدم احکام عناوین اولیه بر عناوین عامه تحت عنوان تخصیص بررسی شده است. ما قصد نداریم در اینجا به صورت فنی وارد این بحث شویم؛ فقط این نکته را از منظر روش تشریح توضیح می‌دهیم که احکام عناوین ثانویه، نقش هدایت‌کننده و جهت‌دهنده تغییرات را بازی می‌کنند. به عبارت دیگر، حکم مصادیق جدید روابط در صورتی که در چارچوب احکام عناوین ثانویه باشد، تجویز می‌شود. برای مثال، عقد بیمه بنا بر برخی اقوال، عقدی جدید است. حکم این عقد در صورتی که غرر، غبن، ضرر یا عناوین ثانویه دیگر بر آن منطبق نشود، با استناد به آیه مبارکه اوفوا بالعقود صحت است؛ و گرنه حکم عنوان ثانوی بر آن تطبیق می‌شود. بدین ترتیب، شارع مقدس اسلام از طریق بیان احکام ثانوی، نوعی از تغییرات را که با اهداف طرح تشریحی اش سازگار است، تجویز و بقیه را نفی می‌کند. به عبارت دیگر، پیشرفت علوم و فنون و تعامل و تضارب افکار بشری در طول زمان به پیدایش مصادیق جدیدی از رابطه انسان با طبیعت یا رابطه انسان‌ها با یکدیگر در عرصه‌های گوناگون حیات می‌انجامد. مصداق جدید رابطه در هر عرصه‌ای که باشد، دو حالت بیشتر برای آن متصور نیست:

الف. یکی از عناوین اولیه که موضوع حکم شرعی قرار گرفته است، بر این مصداق صدق می‌کند؛ یعنی مصداق جدید است؛ ولی عنوان جدید نیست. در این صورت، مصداق جدید، حکم همان عنوان را دارد. برای نمونه، مصادیق جدید خرید و فروش در زمان ما از این قسم اند. خرید و فروش‌های اینترنتی یا با کارت‌های اعتباری و مانند آن در گذشته نبودند و امروزه بر اثر دست‌یابی انسان به وسایل و تجهیزات نو پدید آمده‌اند.

ب. هیچ‌یک از عناوین اولیه موضوع حکم شرعی بر این مصداق صدق نمی‌کند؛ یعنی مصداقی با عنوان اولیه جدید پدید آمده است. بسیاری از فقیهان معتقدند بیمه این‌گونه است؛ یعنی عقدی جدید است که نمی‌توان آن را در یکی از عقود معاملی معهود در

شریعت داخل کرد. بر این اساس، بیمه می‌تواند مثالی برای این قسم باشد. این مصداق با عنوان اولیه جدید نیز خود به خود در یکی از عناوین عامه‌ای داخل می‌شود که شارع حکم آن را بیان داشته است. عقد بیمه - اگر گفتیم عقد جدیدی است - در قول خداوند متعالی که فرمود: *اوفوا بالعقود* داخل می‌شود و این گونه مصادیق از این طریق حکم خود را می‌یابند. در هر دو صورت، مصداق جدید رابطه در صورتی حکم عنوان اولی یا عنوان عامه بر آن تطبیق می‌شود که تحت عنوان ثانوی همچون غرر، غبن، ضرر، حرج و مانند آن قرار نگیرد؛ و گرنه حکم عنوان ثانوی مربوط را می‌یابد. بر این اساس، احکام عناوین ثانویه، چارچوبی برای گزینش و تجویز تغییراتی است که با اهداف شریعت سازگارند.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، شریعت اسلام به گونه‌ای است که در عین جامعیت و ثبات، از سویی با وضع حکم بر عناوین عامه از تغییرات سازگار با اهداف مورد نظرش جلوگیری نمی‌کند و از سویی دیگر، با وضع حکم بر عناوین ثانویه، تغییرات ناسازگار با اهداف مزبور را منع می‌کند.

در خاتمه باید یادآور شویم که ظرف مصادیق، ظرف تراجم عناوین است. گاه یک رابطه، مصداق دو عنوان اولیه یا دو حکم متفاوت قرار می‌گیرد. در این صورت، قاعده تراجم (تقدیم اهم بر مهم) جاری می‌شود.

#### خلاصه و نتیجه

پیشرفت دانش و تجربه بشری در طول زمان به تغییراتی در رابطه انسان با طبیعت و روابط انسان‌ها با یکدیگر می‌انجامد. این تغییرات، ارادی و قابل جهت‌دهی و مدیریت است. شریعت اسلام شریعتی جامع و ابدی است؛ ولی این جامعیت و ابدیت در عناوین روابط است، نه مصادیق آن. خداوند متعال با دسته‌بندی عناوین به سه گروه (عناوین اولیه، ثانویه و عامه) و بیان حکم هر عنوان بر اساس مصالح و مفاسد، شریعتی جامع و ابدی آفریده است که از سویی مانع تغییرات سازگار با اهداف شریعت نیست و از سوی دیگر، سدی در برابر تغییرات ناسازگار با اهداف مزبور ایجاد می‌کند.

#### ۵-۳. امضایی بودن احکام باب معاملات و ثبات الگوهای روابط مالی

اکثر فقیهان معاصر معتقدند که احکام باب معاملات امضایی‌اند، نه تأسیسی (ر.ک:

سیدکاظم طباطبایی یزدی؛ ج ۱، ص ۸۱ و ج ۲، ص ۲۰؛ محمدتقی آملی، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۹؛

روح‌الله موسوی خمینی، ص ۷۰-۷۶؛ ابوالقاسم خویی، ج ۲، ص ۱۱۲ و ۱۴۲؛ سید کاظم حسینی حائری، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۱۲ و ۲۷۰-۲۷۳). بدین معنا که شارع مقدس با ادله عامی همچون آیه مبارکه اوفوا بالعقود، عقود متداول بین عقلا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف را امضا کرده و سپس با ادله خاص تری مانند احل‌الله البیع و حرم الربا، نهی‌النبی عن بیع الغرر او عن الغرر، لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام، و لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل، معاملات ربوی، غرری و ضرری و باطل را استثنا کرده است.

همین مطلب در مورد اطلاق احل‌الله البیع نیز گفته شده است. به این بیان که احل‌الله البیع اطلاق دارد و خداوند متعال با این دلیل مطلق، همه خرید و فروش‌های متداول بین عقلا را به جز خرید و فروش ربوی، غرری، ضرری یا اکل مال به باطل و... را امضا کرده است. فقیهان پیش گفته برای رسیدن به این نتیجه راه‌های متفاوتی را پیموده و اطلاق ادله عامه باب معاملات را از راه‌های گوناگونی اثبات کرده‌اند؛ به‌ویژه آنکه این بحث به مقدار زیادی مبتنی بر یک بحث اصولی در باب معاملات است. در اصول فقه این بحث مطرح می‌شود که آیا عناوین معاملات برای اسباب وضع شده یا اعم از صحیح و فاسد، در صورت اول آیا برای صحیح شرعی وضع شده یا صحیح عرفی؟ اختیار نمودن هر یک از این صور در بحث «صحیح و اعم در باب معاملات» در چگونگی اثبات یا نفی اطلاق ادله عامه باب معاملات مؤثر است (ر. ک: محمود ملکی اصفهانی و سعید ملکی اصفهانی، ج ۲، ص ۲۱۷-۲۶۱؛ روح‌الله موسوی خمینی، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۶).

به هر حال اگر اطلاق اوفوا بالعقود و ادله عامه باب معاملات همچون احل‌الله البیع را بپذیریم سه ثمره دارد:

۱. اگر شک کنیم که آیا شرطی در صحت شرعی بیع مؤثر است یا نه، و دلیل خاصی بر اعتبار این شرط نیابیم می‌توانیم به اطلاق احل‌الله البیع و مانند آن استناد کرده، اعتبار آن شرط را نفی کنیم. مثلاً فقیهان معمولاً عدم شرطیت عربی بودن لفظ در بیع و سایر عقود را از این طریق اثبات می‌کنند.<sup>۱</sup>

۲. اگر در یک زمان مصداق جدیدی برای بیع پیدا شود که پیش از آن نبوده است (مستحدثه) و دلیلی بر عدم مشروعیت آن یافت نشود، می‌توان با تمسک به اطلاق دلیل احل‌الله البیع مشروعیت آن را اثبات کرد.

۳. ثمره اول مختص بیع نیست، بلکه در سایر عقود همچون اجاره، مزارعه و مانند آن هم - اگر دلیل عام یا مطلق وجود داشته باشد - جاری است.

۳. اگر در زمانی عقدی جدید در بین عقلا رایج شود (عقد مستحدثه) در صورتی که دلیل عام یا خاصی بر عدم مشروعیت آن یافت نشود، می‌توان با تمسک به اطلاق دلیل اوفوا بالعقود مشروعیت آن را اثبات کرد. برای مثال برخی فقیهان مشروعیت بیمه یا مضاربه در غیر تجارت را از این طریق اثبات کرده‌اند.

#### اشکال

امضایی بودن احکام در باب معاملات، با توجه به ثمرات سه گانه آن این شبهه را ایجاد می‌کند که در این صورت نمی‌توان گفت اسلام دارای نظامی ثابت و جهان شمول است؛ زیرا این الگوها از عقود مالی مورد امضای شریعت استخراج می‌شود. و با توجه به اینکه شارع مقدس عقود مالی متداول در هر زمان را با قیود خاصی پذیرفته و امضا کرده است و عقود مالی نیز در بین عقلا در طول زمان در حال تغییر و تطور است و در هر عصر مصداق مستحدثه یا عقد مستحدثه‌ای در بین عقلا رایج می‌شود، نتیجه روشن این مقدمات آن است که نمی‌توان نظامی ثابت و جهان شمول از الگوهای روابط مالی را به اسلام نسبت داد.

#### پاسخ

پاسخ به این اشکال با توجه به مقدمات ذیل میسر است:

۱. امضایی بودن احکام در باب معاملات بدین مفهوم نیست که شارع مقدس اسلام در حوزه معاملات، تشریع ندارد؛ بلکه بدان مفهوم است که تشریع شارع بر طبق احکامی است که در بین عقلا در این حوزه متداول است. به عبارت دیگر تأسیسی یا امضایی بودن احکام شریعت بیانگر وجود دو نوع تشریع است. در حقیقت شارع مقدس اسلام در باب معاملات به دلیل آنکه بسیاری از احکام مورد نظر او به صورت طبیعی در بین عقلا متداول بوده و نیز به دلیل نیاز به تحول عقود و قراردادهای مالی به تناسب پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و برای آنکه جلو ابتکار و خلاقیت شرع در خلق قراردادهای مورد نیاز خود را نگیرد و در عین حال او را در مسیری که می‌خواهد هدایت نماید، روش ویژه‌ای را در تشریع احکام باب معاملات برگزیده است. روش مزبور در بحث ثبات شریعت و مدیریت تحول تا حدودی تبیین شد.

۲. در باب معاملات با سه نوع دلیل مواجهیم:

الف. ادله خاص: مقصود روایاتی است که از پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع)

در باره احکام و شرایط صحت عقود متداول در زمان خودشان نقل شده است. تقریباً همه احکامی که در ضمن این روایات بیان گشته، در قالب قضیه حقیقیه ریخته شده و دارای اطلاق نسبت به زمان ها و مکان های مختلف است و در این میان روایاتی که ناظر به یک قضیه شخصی باشند، بسیار کم است. از این رو متقدمان از فقیهان و متأخران به این روایات برای استنباط احکام استناد کرده و اینها را جزء ثابتات شریعت تلقی کرده اند.

ب. ادله عامی چون اوفوا بالعقود، احل الله البيع، تجارة عن تراض و المؤمنون عند شروطهم که عقود و شروط بین عقلا را به صورت عام امضا کرده اند.

ج. قواعد فقهیه (احکام عناوین ثانویه) همچون نفی غرر، حرمة اکل مال به باطل، نفی ضرر و... که نقش مخصص را نسبت به ادله عامه امضا، بازی کرده، چارچوبی برای عقدهای جایز تعیین می کند.

روش فقیهان در استنباط حکم عقد خاص دارای مراحل ذیل است:

مرحله اول: تشخیص اینکه یکی از عناوین معاملات که در زمان شارع متداول بوده و در مورد آنها نص خاص وجود دارد، بر این عقد خاص منطبق می شود یا نه؟

مرحله دوم: در صورتی که یکی از عناوین معاملات متداول در زمان شارع منطبق بر این عقد خاص بشود احکام آن عنوان بر این عقد خاص مترتب می شود.

مرحله سوم: در صورتی که چنین نشود اگر اطلاق اوفوا بالعقود را نپذیریم «اصالت الفساد» جاری گشته، حکم به بطلان عقد مزبور داده می شود.

مرحله چهارم: اگر اطلاق اوفوا بالعقود و دلالت آن را بر صحت عقود متداول بین العقلا بپذیریم که محل بحث ما نیز همین فرض است، در این صورت اگر عقد مزبور مخالف با قواعد فقهیه نباشد، حکم به صحت آن می دهیم.

بنابراین مجموع الگوهای روابطی که از نصوص مربوط به معاملات متداول در زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) استخراج می شود، جزء ثابتات طرح نظری نظام اقتصادی اسلام محسوب می شود. به این مفهوم که الگوها با صرف نظر از کاربرد عملی آنها در زمان های مختلف از نظر شرعی جایز و پذیرفته شده اند. این الگوها حداقل ثابتی را برای طرح نظری نظام اقتصادی اسلام نشان می دهند و تغییر و تحول طرح نظری با حفظ این حداقل و در چارچوب قواعد فقهیه و احکام ثانویه مورد پذیرش است.

۳. مقصود از الگوی روابط مالی نوع رابطه مالی بین مردم است که می تواند در قالب

عقود متنوعی انشا شود. برای مثال نقل و انتقال غیرمجانی ملکیت اموال می تواند در قالب عقد بیع، هبه، معوضه و صلح معوض انجام شود و افزوده شدن یک عقد جدید به عقود پیشین، که همین رابطه را بین دو طرف عقد ایجاد نماید، موجب تغییر نوع رابطه مالی نمی شود.

همچنین رابطه مشارکت در سود و زیان بین نیروی کار و صاحب سرمایه (اعم از سرمایه نقدی، زمین زراعتی و باغ و...) می تواند در قالب عقود مزارعه، مساقات، مضاربه، صلح و جعاله انشا شود و با اینکه این عقود دارای احکام فرعی متفاوتی اند، ولی نوع رابطه مالی در این عقود مشترک است، و انواع روابط مالی در تعداد مشخص محصور و معین است و چندان قابل افزایش نیست. این پاسخ اجمالی را این گونه نیز می توان تفصیل داد:

#### مقدمه اول

مقصود از الگوی رابطه مالی بیان ساده عناصری است که تصور می شود مهم ترین عوامل مؤثر در تبیین رابطه مورد نظرند. یک الگوی رابطه مالی با مشخص نمودن چهار عنصر تبیین می شود:

یک. نوع رابطه؛

دو. طرفین رابطه؛

سه. نوع مال موضوع رابطه؛

چهار. هدف از این رابطه.

برای مثال در خرید و فروش (بیع) نوع رابطه مبادله است و طرفین رابطه در یک اقتصاد پولی صاحبان کالا (اعم از مصرفی یا سرمایه ای) یا حق قابل انتقال و صاحبان پول اند. نوع مال موضوع رابطه کالا و حق قابل مبادله است و بالاخره هدف از آن تأمین نیاز انسان ها است. وقتی هبه معوضه و صلح معوض را بررسی کنیم نیز به همین چهار عنصر می رسیم. در حقیقت این عقود در برخی احکام فرعی فقهی با یکدیگر تفاوت دارند و در عناصر چهارگانه ای که الگو را تبیین می کند، با هم مشترک اند. همچنین در مضاربه نوع رابطه مشارکت است، و طرفین رابطه نیروی کار و صاحب سرمایه نقدی است و موضوع این عقد، فعالیت تجاری و تقسیم منابع و مضاربه آن بر طبق توافق بین دو طرف عقد است، و هدف از آن پیوند بین صاحبان پول و صاحبان مهارت در تجارت است. این رابطه نیز می تواند در قالب جعاله یا صلح یا عقدی که در زمان ما یا در آینده اختراع می شود، تحقق یابد. بنابراین حدوث عقد جدید تا وقتی به حدوث نوع رابطه جدید

نینجامد، موجب تغییر نظام الگوهای روابط نمی شود.

### مقدمه دوم

نوع روابط مالی در تعداد معینی از روابط به صورت عقلی محصورند و قابل افزودن نیستند. در بازار کالا اشیایی که دارای مالیت و ارزش اقتصادی اند چهار نوع اند: ۱. کالا اعم از مصرفی یا سرمایه ای که از آن تعبیر به عین می شود؛ ۲. منفعت سرمایه یا نیروی انسانی؛ ۳. حق؛ ۴. پول (اسکناس و مسکوک).

همچنین سه نوع رابطه مالی متصور است: ۱. مبادله؛ ۲. قرض؛ ۳. بخشش.

در یک اقتصاد پولی که همه چیز با پول مبادله می شود و پول در قراردادهای مالی نقش واسطه را ایفا می کند، جدول ذیل می تواند حاکی از انواع روابط با توجه به انواع اموال در اقتصاد باشد:

روابط	اموال	کالا با پول	حق قابل انتقال با پول	منفعت با پول	پول با پول
مبادله		بیع هبه معوضه صلح معوض	بیع هبه معوضه صلح معوض	اجاره جماله	بیع هبه معوضه صلح معوض
روابط	اموال	کالا	حق	منفعت	پول
قرض		قرض الحسنه صلح غیر ربوی			بیع قرض الحسنه صلح غیر ربوی
بخشش		هبه غیر معوضه صدقه صلح غیر معوض	هبه غیر معوضه صدقه صلح غیر معوض	هبه غیر معوضه صدقه وقف صلح غیر معوض	هبه غیر معوضه صدقه صلح غیر معوض

۱. گفتمانی است که اوراق مالی که حاکی از یکی از امور چهارگانه فوق اند، یک قسم مستقل محسوب نشدند.



در بازار عوامل نیز سه نوع عامل وجود دارد:

۱. سرمایه فیزیکی (اعم از زمین، ماشین آلات، ساختمان ها و ابزار و مواد اولیه)؛

۲. سرمایه نقدی (پول)؛

۳. نیروی کار (اعم از متخصص و غیرمتخصص و مدیر و غیر مدیر).

بین این عوامل دو نوع رابطه متصور است:

۱. رابطه مبتنی بر اجرت ثابت؛

۲. رابطه مبتنی بر مشارکت در سود و زیان.

جدول ذیل انواع روابط را با توجه به انواع عوامل نشان می دهد:

عوامل		سرمایه	کار	پول
روابط				
رابطه مبتنی بر مشارکت در سود و زیان	عقد شرکت	مزارعه	مضاربه	
	عقد مزارعه	مساقات	جعاله	
	عقد مساقات	مضاربه	صلح	
	عقد صلح	جعاله		
رابطه مبتنی بر اجرت ثابت	عقد جعاله	صلح		
	اجاره	اجاره		
	جعاله	جعاله		
	صلح	صلح		

در شریعت اسلام پول نمی تواند اجرت ثابت دریافت کند؛ زیرا منجر به ربای محرم می شود. چنان که مشاهده می شود خانه های این جدول ها چندان قابل افزایش یا کاهش نیست. شما می توانید انواع عقود درون این خانه ها را در برخی موارد افزایش دهید یا شروط عقدهای مزبور را تغییر دهید، ولی نمی توانید بر انواع روابط چیزی افزوده یا کم کنید.

بنابر این ما می توانیم از عقودی که در زمان شارع اسلام متداول بوده و امضا شده است، انواع روابط مجاز را بیابیم. به عبارت دیگر الگوهای روابط را استخراج کنیم. پس از آن انواع عقود مجاز را در چارچوب روابط مجاز از نصوص موجود احصا کنیم، و آنچه را

به دست می‌آوریم به‌عنوان ثابتات تلقی کنیم. آن‌گاه در صورت نیاز، عقود جدیدی را در چارچوب عموماًت و قواعد و نص خاص خلق کنیم، یا حکم عقود مستحدثه را براساس سه عنصر فوق استنباط کنیم و در عین حال نظام الگوهای روابط هیچ تغییری نکند.

### ۳-۶. منطق کلان طرح‌ها

با توجه به تعریف نظام اقتصادی اسلام که پیش از این بیان شد، برای تبیین نظام اقتصادی اسلام لازم است ابتدا درباره مبانی فلسفی و مکتبی و اهداف نظام، پژوهش کنیم؛ زیرا شارع مقدس الگوهای رفتاری و الگوهای روابط را که عناصر و اجزا نظام اقتصادی‌اند، براساس مبانی مزبور و به سمت اهداف نظام سامان داده است. از سوی دیگر شارع مقدس اسلام الگوهای مزبور را در قالب دستورات حقوقی و اخلاقی بیان داشته است. از این‌رو، مطالعه حقوق و اخلاق اقتصادی جهت استخراج الگوها ضروری است. افزون بر این، مطالعه دستورات حقوقی و اخلاقی اسلام در حوزه اقتصاد برای مهندسی نظام با توجه به شرایط زمانی و مکانی نیز مفید است.

آنچه از این مطالعه به دست می‌آید، الگوهای رفتاری و روابط خرد و کلان است که به‌عنوان ثابتات تلقی می‌شود و جنبه نظری دارد و لازم است با توجه به شرایط جامعه در هر عصر و مکان تحقق خارجی یابد؛ یعنی الگوهای رفتاری در جامعه نهادینه شود و الگوهای روابط در قالب مؤسسات و آیین‌نامه‌های اجرایی گنجانده شود. اینجا است که پژوهش در باب مهندسی نظام اقتصادی اسلام ضرورت می‌یابد.

مطالعات اثباتی (مطالعاتی علمی) هم قبل از تحقق نظام اقتصادی اسلام برای شناخت وضع موجود و هم پس از آن برای شناخت عملکرد نظام تحقق یافته ضروری است. بنابراین فصلی از پژوهش نیز باید به علم اقتصاد اسلامی پردازد و روش‌ها و موضوع و مسائل آن را بیان کرده، تفاوت‌ها و اشتراکات آن را با علم اقتصاد متعارف تبیین کند.

بالاخره در چارچوب نظام تحقق یافته اقتصاد اسلامی باید راهبردی جهت حرکت به سمت اهداف برگزیده شود. اینجا است که مطالعات توسعه‌ای ضرورت پیدا می‌کند؛ مطالعاتی که هم مفهوم توسعه و توسعه‌یافتگی از دیدگاه اسلام را تبیین کند و هم راهبردهای مشخصی را معرفی کند که از سویی سازگار با اهداف، مبانی و احکام اسلامی باشد و از سوی دیگر مطابق با شرایط زمانی و مکانی باشد.

## ب. ضرورت پژوهش

تأسیس حکومتی مبتنی بر جهان بینی و ارزش های اسلام و مطابق با احکام و آموزه های اسلام همواره آرزوی دیرینه عالمان سلف و دین مداران راستین بوده است. مع الاسف پس از دوران کوتاه حکومت نبوی در مدینه منوره این آرزو در طول تاریخ هیچ گاه به صورت کامل تحقق نیافته است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران نویدی برای تحقق این امر بود؛ اما پس از گذشت بیش از دو دهه از پیروزی انقلاب و تأسیس حکومت اسلامی شاهد آنیم که حکومت اسلامی به معنای واقعی آن هنوز در بسیاری از حوزه ها پیاده نشده است. یکی از مهم ترین حوزه ها، نظام اقتصادی است. واقعیت آن است که نظام اقتصادی ایران فاصله زیادی با نظام اقتصادی اسلام دارد و شاهد روشن این ادعا وجود فقر گسترده و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت در ایران اسلامی است.

این امر دلایل متعددی دارد، ولی یکی از مهم ترین دلایل آن، این است که مسئولین امر برای اسلامی کردن اقتصاد ایران طرح و برنامه روشنی ندارند. بی تردید اولین قدم برای اسلامی کردن اقتصاد ایران ارائه طرحی روشن از نظام اقتصادی اسلام است که از سویی با آموزه ها و احکام اسلامی سازگار باشد و از سوی دیگر مشتمل بر الگوهای راهبرد و کاربردی قابل دفاع و اجرا باشد و این مهم جز با تحقیقی جامع که از جهان بینی و فلسفه اسلامی آغاز و به الگوهای کاربردی مشخص ختم شود، ممکن نیست. ارائه چنین طرحی از نظام اقتصادی اسلام نه تنها برای ایران اسلامی، که از مشکلات فراوان اقتصادی رنج می برد ضرورت دارد، بلکه در دنیایی که امپریالیسم غرب داعیه جهانی شدن در سر دارد و مصمم است مکتب لیبرالیسم را به زور اسلحه بر همه جهانیان تحمیل نماید، نتایج چنین پروژه ای بارقه امیدبخشی برای همه مسلمانان و برای مستضعفان جهان است که از سویی از مشکلات اقتصادی رنج می برند و از سوی دیگر راه دیگری در پیش روی خود جز عمل به الگوهای غربی نمی یابند.

## ج. پیشینه پژوهش

ادبیات اقتصاد اسلامی در طول تاریخ سه مرحله را پشت سر گذاشته است:

۱. مرحله تحقیقات فقهی: در این مرحله تحقیقات انجام گرفته متمرکز بر فقه و حقوق اقتصادی است.

۲. مرحله تحقیقات بنیادی: در این مرحله که می‌توان گفت با تحقیقات شهید آیت‌الله صدر (ره) تحت عنوان اقتصاد آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد، مبانی فلسفی، اصول مذهب و اهداف اقتصاد اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است.

۳. مرحله تحقیقات راهبردی و کاربردی: تحقیقات در این زمینه مراحل ابتدایی خود را طی می‌کند. تنها حوزه‌ای که می‌توان گفت این نوع تحقیقات پیشرفت چشمگیری داشته، حوزه بانکداری و بازارهای مالی است.

غالب تحقیقات انجام گرفته تاکنون، تنها به برخی ابعاد اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند و تحقیقات جامع در گستره‌ای که در این طرح ارائه شده، اندک است. یکی از مواردی که نسبتاً به صورت جامع به مباحث اقتصاد اسلامی پرداخته است کتاب اسلام والتحدی الاقتصادي (Islam and Economic challenge) نوشته دکتر محمد عمر چاپرا است. این کتاب مسیر جهان بینی تا راهبردها را به خوبی می‌پیماید و در پایان جهت اسلامی کردن نظام اقتصادی، اصلاحاتی را پیشنهاد می‌کند. البته این کتاب بر اساس دیدگاه‌های عالمان اهل تسنن نگاشته شده است. افزون بر این در قالب ادبیات توسعه نوشته شده و بسیاری از ابعاد علمی و اخلاقی و حقوقی اقتصاد اسلامی در لابه لای مطالب مورد استفاده قرار گرفته است، ولی علم، اخلاق و حقوق اقتصادی به صورت مستقل مورد نظر نیست. همچنین مباحث معرفت‌شناسی که زیربنای تبیین روش اقتصاد اسلامی است، در این کتاب طرح نشده است، ولی چاپرا در کتاب دیگرش (The Future Of Economics) به این مباحث تا حدودی اشاره می‌کند.

به‌طور کلی آثاری که از نویسندگانی چون دکتر محمد عمر چاپرا، دکتر نجات‌الله صدیقی، دکتر منذر قحف و برخی دیگر از نویسندگان عرب مشاهده می‌شود، نشانگر آن است که این افراد تحقیقات عمیق و جامعی را برای ارائه الگوهای راهبردی و کاربردی بر اساس آموزه‌های اسلامی و مطابق با شرایط عصر ما انجام داده‌اند. در داخل کشور دو طرح جامع در این زمینه وجود دارد:

۱. طرحی که فرهنگستان علوم اسلامی ارائه کرده که از مبانی معرفت‌شناسی خاصی آغاز گشته و به الگوهای کاربردی ختم می‌شود. این طرح دارای مبانی معرفتی ویژه‌ای است و ادبیات سنگین و پیچیده‌ای دارد. البته این طرح درباره مهندسی تمدن اسلامی است و فراتر از اقتصاد است.

۲. طرحی که حجت الاسلام آقای آقا کوچکیان به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ارائه داده و مورد تصویب این سازمان قرار گرفته و تحقیق آن به اتمام رسیده است. این طرح تحت عنوان «نظریه دین شناختی تحقیق و توسعه» می باشد. طرح مزبور نیز فراتر از اقتصاد است، ولی می توان از آن، نظریه دین شناختی تحقیق و توسعه اقتصادی را نتیجه گرفت.

#### د. اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش ارائه مجموعه الگوهای راهبردی و کاربردی متناسب با شرایط اقتصاد ایران و براساس مبانی، ارزش ها و احکام اسلامی است. اما برخی اهداف فرعی نیز وجود دارد که عبارتند از:

۱. ارائه نظام اقتصادی اسلام به صورتی قابل مقایسه با دیگر مکاتب و امکان دفاع علمی از آن؛

۲. ارائه اقتصاد اسلامی به صورت رشته علمی مدون و فراهم آوردن زمینه علمی ایجاد چنین رشته ای در حوزه و دانشگاه؛

۳. پر کردن خلأهای تحقیق در ادبیات اقتصاد اسلامی؛

۴. تربیت محقق در این زمینه؛

۵. پاسخ به برخی سؤالات و شبهات در عرصه های گوناگون علوم اقتصادی.

#### ه. ویژگی های این طرح

طرح جامعی که پیش رو دارید از نه کلان طرح تشکیل شده و دارای ویژگی های ذیل است:

۱. این پروژه شامل تحقیقات بنیادی-راهبردی و کاربردی است.

کلان طرح هایی چون فلسفه، مکتب، اهداف، حقوق و اخلاق اقتصادی از نوع تحقیقات بنیادین محسوب می شود و طرح نظام اقتصادی، راهبردی و طرح مهندسی نظام و علم اقتصاد اسلامی و توسعه اقتصادی با نگرش اسلامی از نوع تحقیقات راهبردی- کاربردی است.

۲. تحقیقات در این طرح غالباً از نوع تحقیقات میان رشته ای است. در این تحقیق

از علمی چون فلسفه، کلام، حقوق و اخلاق اسلامی استفاده می‌شود. از این رو، محققان باید در زمینه علوم فوق نیز اطلاعات کافی داشته باشند.

۳. تحقیقات در اکثر کلان طرح‌های مزبور تطبیقی است؛ زیرا برخی مکاتب رقیب بسیاری از این راه را پیموده‌اند و ضمن اینکه مسائلی را روشن کرده‌اند، شبهاتی نیز آفریده‌اند. از این رو تحقیقات باید با نظر به دستاوردهای بشری و شبهات مطرح در این زمینه به پیش رود.

#### و. روش پژوهش

به دلیل آنکه کلان طرح‌های پیش گفته هر یک در حوزه‌ای از علوم مطرح‌اند، نمی‌توان روش واحدی را برای تحقیق در همه آنها بیان کرد، ولی انتظار آن است که تحقیقات در موضوعات بنیادی و راهبردی به روش تحلیلی و با تکنیک کتابخانه‌ای انجام شود؛ اما در موضوعات کاربردی به روش قیاسی - تجربی و با تکنیک کتابخانه‌ای - میدانی صورت گیرد.

به هر حال در هر یک از کلان طرح‌ها یکی از سرفصل‌ها، روش بحث خواهد بود. در کلان طرح فلسفه اقتصاد اسلامی مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلام مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس در کلان طرح‌های دیگر روش تحقیق مبتنی بر این مبانی تدوین خواهد شد.

#### ز. مخاطبان تحقیق

مخاطب این تحقیق دو گروه‌اند:

۱. اساتید، محققان و دانشجویان مقطع دکترا و کارشناسی ارشد اقتصاد. این افراد می‌توانند با مطالعه تحقیقات مزبور با اقتصاد اسلامی به شکل مجموعه‌ای نظام مند، قابل دفاع و قابل مقایسه با مکاتب اقتصادی دیگر آشنا شوند.

۲. کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران که در اندیشه پیاده کردن اسلام‌اند و در پی شناخت نظام اقتصادی اسلام به صورت الگوهای کاربردی قابل اجرا می‌باشند.

## ح. استطاعت گروه اقتصاد در اجرای موفق طرح

گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی دارای شش عضو رسمی هیئت علمی یک عضو قراردادی تمام وقت و یک عضو قراردادی نیمه وقت و دو عضو پاره وقت است. افزون بر این با حدود ۳۰ نفر از محققین اقتصاد اسلامی در ارتباط است و با برخی از آنان قرارداد پروژه‌ای در موضوعات مورد نظر خود دارد.

همه اعضا و همچنین محققان مرتبط با گروه ویژگی‌های علمی لازم جهت تحقیق در این موضوعات را دارند؛ از جمله:

- دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا در علوم اقتصادی اند.

- همگی مشغول دروس خارج فقه و اصول اند و برخی از آنان بیش از ۱۰ سال تجربه حضور در درس خارج دارند.

- اکثر این افراد دارای تجربه تدریس یا تحقیق در اقتصاد اسلامی می‌باشند و برخی از آنها بیش از ۷ سال تجربه تحقیق در این موضوع را دارند و کتاب‌های متعددی از آنها به چاپ رسیده است.

گروه اقتصاد موفق به تهیه کتابخانه تخصصی با بیش از ۲۵۰۰ عنوان کتاب در موضوعات اقتصادی و اقتصاد اسلامی و رایانه و برخی نرم افزارهای مورد نیاز شده است؛ گرچه این امکانات برای انجام طرح جامع تحقیق در اقتصاد اسلامی امکانات ناپیزی محسوب می‌گردد.

ط. کلان طرح‌ها و طرح‌های فرعی

### ۱. فلسفه اقتصاد

کلان طرح فلسفه اقتصاد به دو طرح فرعی تقسیم می‌شود:

الف. معرفت‌شناسی و اقتصاد؛

ب. هستی‌شناسی (جهان‌بینی) و اقتصاد.

### ۱-۱. معرفت‌شناسی و اقتصاد

معرفت‌شناسی (epistemology) یا نظریه معرفت آن شاخه‌ای از فلسفه است که به



بررسی ماهیت و حدود معرفت، پیشرفت‌ها و مبانی آن می‌پردازد و قابلیت اعتماد به ادعاهای معرفتی را می‌سنجد (دیوید. و. هاملین، ص ۱). مباحثی که در معرفت‌شناسی بحث می‌شود، عبارتند از: وجود واقعیتی خارج از ذهن؛ امکان شناخت واقعیت‌ها؛ ابزارهای شناخت؛ منابع شناخت؛ ارزش معلومات؛ قلمرو شناخت.

در این طرح به مبانی معرفت‌شناسی در حدی که برای تعیین روش تحقیق در کلان طرح‌های دیگر لازم است، پرداخته می‌شود.

## ۱-۲. جهان بینی و اقتصاد

نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان هستی عرضه می‌دارد، جهان بینی نامیده می‌شود. جهان بینی بنیان و تکیه‌گاه فکری یک مکتب است. هدف‌هایی که یک مکتب عرضه و به تعقیب آنها دعوت می‌کند، راه و روش‌هایی که تعیین می‌کند، باید و نبایدهایی که اذشا می‌کند و مسئولیت‌هایی که به وجود می‌آورد همه به منزله نتایج ضروری جهان بینی است (مرتضی مطهری، ج ۲، ص ۷۵). اسلام دارای جهان بینی خاص خود می‌باشد. در طرح جهان بینی و اقتصاد، مسائلی از جهان بینی و اقتصاد و مسائلی از جهان بینی اسلامی که نقش زیربنا را برای کلان طرح‌های هشت‌گانه دیگر دارد تحقیق خواهد شد.

محورهای اصلی این طرح عبارتند از: خداشناسی و اقتصاد؛ جهان‌شناسی و اقتصاد؛ هستی‌شناسی و اقتصاد؛ جامعه‌شناسی و اقتصاد.

هر یک از این محورها خود می‌تواند موضوع تحقیق جداگانه‌ای باشد.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، فلسفه اقتصاد در این طرح جامع نقش زیربنا را نسبت به طرح‌های هشت‌گانه دیگر بازی می‌کند و مبانی اتخاذ شده در این تحقیق به نوعی در همه مقولات اقتصادی دیگر مؤثر است.

## ۲. اهداف اقتصاد اسلامی

اهداف، مطلوب‌هایی هستند که انسان یا جامعه انسانی برای دستیابی به آنها کوشش می‌کنند. اهداف اقتصاد اسلامی در دو سطح خرد و کلان قابل بحث و بررسی است. این اهداف در سطح خرد انگیزه افراد را در رفتارهای اقتصادی خود در سه حوزه



تولید و توزیع و مصرف نشان می‌دهند. در سطح کلان جهت‌گیری اصول کلی مکتب اقتصادی، احکام اخلاقی و حقوقی اسلام و نیز فلسفهٔ چینش عناصر و اجزای نظام اقتصادی را بیان می‌کنند.

اهداف اقتصاد اسلامی نتیجهٔ منطقی مبانی فلسفی آن به‌ویژه اصول جهان‌بینی اسلامی است. از این‌رو از نظر رتبی متأخر از کلان طرح فلسفهٔ اقتصاد اسلامی می‌باشد. بدین ترتیب این کلان طرح به دو طرح فرعی تقسیم می‌شود:

الف. اهداف اسلامی در سطح خرد: اهداف مصرف‌کنندهٔ مسلمان؛ اهداف تولیدکنندهٔ مسلمان؛ اهداف سرمایه‌گذار مسلمان.

ب. اهداف اقتصاد اسلامی در سطح کلان: اهداف غایی؛ اهداف متوسط؛ اهداف قریب.

### ۳. مذهب (مکتب) اقتصاد اسلام

مذهب اقتصادی اسلام شامل قضایای کلی و مسلمی است که در حوزهٔ اقتصاد پذیرفته شده و دارای خصوصیات ذیل است:

الف. از اصول فلسفی استنتاج می‌گردد:

ب. التزام به آنها برای دستیابی به اهداف اقتصادی لازم است؛

ج. نسبت به حقوق و اخلاق و نظام اقتصادی نقش زیربنا را دارد.

در حقیقت مذهب اقتصادی، روش دستیابی به اهداف و مواجهه با مشکلات را در یک نظام اقتصادی نشان می‌دهد (ر. ک: سید محمدباقر صدر، ص ۳۸۴). برخی از اصول مذهب اقتصادی اسلام که خود می‌تواند موضوع طرح تحقیق مستقلی قرار گیرد، عبارتند از: مسئولیت‌ها و اختیارات دولت در اقتصاد؛ مفهوم آزادی و حدود آزادی اقتصادی و فلسفهٔ آن؛ مالکیت (فلسفه، اقسام، حدود، اسباب، آثار)؛ تعاون و رقابت سالم؛ قواعد توزیع ثروت و درآمد (توزیع قبل از تولید، بعد از تولید و توزیع محدود)؛ حاکمیت مصالح فرد و جامعه به جای حاکمیت امیال مصرف‌کننده.

### ۴. نظام اقتصادی اسلام

در این طرح، نظام اقتصادی اسلام به مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزهٔ تولید، توزیع و مصرف اطلاق می‌شود که از متن آیات و روایات

به کمک تحلیل‌های عقلی استنباط می‌شود. الگوهای مزبور شرکت‌کنندگان در نظام (دولت و گروه‌های مختلف مردم) را به یکدیگر و به منابع پیوند می‌زنند و جامعه را بر اساس مبانی مشخص به سمت اهداف اقتصادی مورد نظر اسلام هدایت می‌کند. مقصود از الگو، نمایش ساده چیزهایی است که تصور می‌شود مهم‌ترین عوامل مؤثر در رفتار یا رابطه مورد مطالعه‌اند.

نظام اقتصادی اسلام به لحاظ انگیزه رفتار به سه بخش ذیل تقسیم می‌شود:

۱. بخش دولتی که با انگیزه مصالح عمومی فعالیت می‌کند؛

۲. بخش خصوصی که با انگیزه نفع شخصی فعالیت می‌کند؛

۳. بخش خصوصی که با انگیزه کسب ثواب اخروی فعالیت می‌کند.

هر یک از بخش‌های فوق دارای ذیل عنوان‌هایی است که خود می‌تواند موضوع مستقلی برای تحقیق باشد. در ادامه برخی ذیل عنوان‌های بخش‌های سه‌گانه فوق بیان می‌گردد.

بخش دولتی: الگوهای درآمد - هزینه (بودجه) دولت اسلامی؛ الگوی نظارت بر عملکرد بخش خصوصی؛ الگوی سیاست‌های اقتصادی.

بخش خصوصی با انگیزه نفع شخصی: بازار کالا و خدمات؛ بازار عوامل؛ بازار سرمایه‌نقدی؛ الگوی مصرف کل؛ الگوی سرمایه‌گذاری کل؛ الگوی پس‌انداز کل. شایان ذکر است مقصود از بازار در این تحقیق یک الگوی رابطه بین گروه‌های مردم است.

بر این اساس بازار کالا و خدمات یعنی الگوی خرید و فروش و بازار عوامل می‌تواند دارای دو الگوی اجاره عوامل و مشارکت عوامل در سود و زیان باشد و بازار سرمایه‌های نقدی الگوی مشارکت سرمایه‌نقدی در سود و زیان است.

بخش خصوصی با انگیزه کسب ثواب: الگوی وقف؛ الگوی صدقه؛ الگوی قرض الحسنه.

## ۵. حقوق اقتصادی اسلام

حقوق اقتصادی قانونی است الزامی که برای تنظیم و توجیه حیات اقتصادی انسان به سوی اهداف متعالی اسلام صادر می‌شود و دارای ضمانت اجرای دولتی است. حقوق اقتصادی به دو گروه شرعی و قضایی تقسیم می‌شود.

احکام شرعی که به وسیله خداوند صادر می‌شوند، دو دسته‌اند:

الف. احکام تکلیفی که موضوع آن فعل انسان مکلف است و عبارتند از: وجوب و حرمت.

ب. احکام وضعی که موضوع آن به طور مستقیم فعل مکلفان نیست، ولی می‌تواند منشأ حکم تکلیفی دیگری واقع شود، مانند صحت و بطلان نسبت به عقود مالی.

در مقابل احکام شرعی که به وسیله خداوند صادر می‌شود، قسم دیگری به نام احکام قضایی و برخی احکام جزایی وجود دارد که به وسیله قاضی براساس اصول و قواعد اسلامی صادر می‌شود و نقش ضمانت اجرایی را نسبت به نظام اقتصادی ایفا می‌کند.

حقوق اقتصادی نقش اساسی در استخراج الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی دارند. به عبارت دیگر، نظام اقتصادی حاصل مطالعه فقه مالی اسلام و اخلاق اقتصادی آن با توجه به فلسفه احکام و با استفاده از شیوه‌های علمی روز است.

احکام اقتصادی غالباً به وسیله عالمان و فقیهان گذشته، مورد تحقیق عمیق و دقیقی قرار گرفته است. با وجود این برخی موضوعات نوپیدا می‌تواند موضوع پژوهش اساسی قرار گیرد. در ادامه به برخی از این احکام اشاره می‌شود: بهره و حکم فقهی آن؛ تورم و احکام فقهی مرتبط با آن؛ پول از دیدگاه فقه؛ ابزارهای نوین مالی از دیدگاه فقه؛ جواز یا عدم جواز افزایش حجم پول به وسیله دولت؛ حکم فقهی انواع ذخایر بانک‌ها؛ بیمه؛ مالیات‌های حکومتی؛ قیمت گذاری؛ بورس بازی.

#### ۶. اخلاق اقتصادی اسلام

در فلسفه حقوق به آن دسته از قواعد و احکام الزام‌آور که ضمانت اجرای دولتی دارند حقوق و به آن دسته که ضمانت اجرای دولتی ندارند، احکام اخلاقی گفته می‌شود (کلوددو پاکید، ص ۱۰ و ۱۱).

در این طرح نیز مقصود از اخلاق اقتصادی همه احکامی است که بدون ضمانت اجرای دولتی است و به قصد هدایت انسان به سوی خیر و سعادت واقعی‌اش از سوی خداوند صادر شده است. فلسفه این احکام آن است که انسان مختار و مسئول، با آزادی و بصیرت، عمل به این احکام را ملکه نفس خود کرده، به سوی کمال حرکت کند.

این احکام نیز نقش مؤثری در شکل دادن به رفتارهای اقتصادی دارد و یکی از منابع استخراج الگوهای رفتاری است.

برخی از موضوعات قابل تحقیق در این زمینه عبارتند از: پیوند اخلاق و اقتصاد در اسلام؛ ابعاد اخلاقی و معنوی اقتصاد اسلامی؛ اخلاق بازار؛ اخلاق کار؛ اخلاق کارگزاران حکومتی.

#### ۷. نظام سازی یا مهندسی نظام اقتصادی اسلام

نظام اقتصادی اسلام با تعریف پیشین، نظام نظری و مستخرج از احکام و اخلاق و مبتنی بر اصول مذهب اقتصادی اسلام است که همه براساس فلسفه اقتصادی اسلام بنا شده‌اند. عناصر و اجزای این نظام باید با توجه به شرایط موجود مهندسی و سازماندهی شوند. نظام سازی، بررسی راه‌های اجرای طرح نظری نظام اقتصادی و گزینش بهترین راه است. برای مثال الگوی مشارکت عوامل تولید و صاحبان سرمایه‌های نقدی در سود و زیان فعالیت اقتصادی، الگویی با ضوابط و قواعد ثابت است که باید بازار عوامل و بازار سرمایه‌های نقدی براساس این الگو مهندسی شوند؛ یعنی سازمان‌ها، مؤسسات، آیین‌نامه‌های اجرایی و مانند آن برای بهینه عمل کردن این الگو در بازار، تدوین و اجرا شود.

به تناسب سه بخشی بودن نظام اقتصادی اسلام، این کلان طرح را می‌توان به سه طرح فرعی ذیل با سرفصل‌هایی که می‌تواند موضوع مستقلی برای پژوهش باشد، تقسیم کرد:

۱. سازماندهی بخش دولتی براساس الگوی اسلامی
- ۱-۱. سازماندهی نظام درآمد و هزینه دولت براساس الگوی اسلامی؛
- ۲-۱. سازماندهی بخش نظارتی؛
- ۳-۱. سازماندهی بخش مدیریتی؛
- ۴-۱. سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی دولت (تصدی‌گری).
۲. سازماندهی بخش خصوصی براساس الگوی اسلامی
- ۱-۲. سازماندهی بازار عوامل براساس الگوی اسلامی؛
- ۲-۲. سازماندهی بازار سرمایه براساس الگوی اسلامی؛
- ۳-۲. سازماندهی بازار کالا و خدمات براساس الگوی اسلامی.
۳. سازماندهی بخش سوم براساس الگوی اسلامی
- ۱-۳. سازماندهی مجدد اوقاف و اصلاح آن؛
- ۲-۳. سازماندهی صندوق‌های قرض الحسنه و نهادهای مرتبط؛
- ۳-۳. سازماندهی صدقات و نهادهای مرتبط.

## ۸. علم اقتصاد اسلامی

علم اقتصاد یکی از علوم اجتماعی است که به بررسی فعالیت‌های فردی و جمعی مربوط به تولید، مبادله و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد (جمیز، م. هندرسن و ریچارد ا. کرانت، ص ۹). به طور خلاصه علم اقتصاد به بررسی فعالیت‌های اقتصادی آن گونه که هست می‌پردازد.

فعالیت اقتصادی، رفتاری است برای تأمین معاش یا بهبود آن با اشیای مادی مورد نیاز و غیر رایگان در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف. در حقیقت علم اقتصاد نظام اقتصادی تحقیق‌یافته را از دو دیدگاه خرد و کلان مطالعه می‌کند. در اقتصاد خرد فعالیت‌ها تک‌تک واحدهای تشکیل‌دهنده سیستم اقتصادی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و در اقتصاد کلان نظام اقتصادی تحقیق‌یافته به صورت یک کل مورد مطالعه واقع می‌شود (گری گوری منکیو، ج ۱، ص ۱۴).

در این طرح مقصود از علم اقتصاد اسلامی علمی است که نظام اقتصادی موجود در جامعه اسلامی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و آن را توصیف و تبیین کرده، آینده آن را پیش‌بینی می‌کند. این کلان‌طرح می‌تواند به طرح‌های فرعی ذیل تقسیم شود:

۱. ماهیت علم اقتصاد اسلامی؛

۲. روش علم اقتصاد اسلامی؛

۳. اقتصاد خرد با نگرش اسلامی؛

۴. اقتصاد کلان با نگرش اسلامی؛

۵. پول و بانکداری با نگرش اسلامی؛

۶. مالیه عمومی با نگرش اسلامی؛

۷. تجارت بین الملل با نگرش اسلامی.

۹. توسعه اقتصادی با نگرش اسلامی

توسعه در مفهوم عام آن ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی

بهتر است (مایکل تودارو، ص ۲۴). به طور ساده می توان گفت توسعه، فرایند حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. گاهی این حرکت مستلزم تغییر نظام اقتصادی است و گاهی در درون چارچوب های یک نظام اقتصادی صورت می گیرد. در صورت اول این مفهوم با مفهوم نظام سازی که پیش تر بیان شد، منطبق می گردد. بنابراین در کلان طرح توسعه اقتصادی فرایند حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در چارچوب نظام اقتصادی اسلام با فرض تحقق این نظام در خارج مورد مطالعه قرار می گیرد. طرح های فرعی این کلان طرح عبارتند از: مفهوم توسعه و توسعه یافتگی از دیدگاه اسلام؛ شاخص های توسعه اسلامی؛ اصول توسعه اسلامی؛ راهبردهای توسعه اسلامی.

#### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آملی، محمدتقی، المکاسب و البیع (تقریرات درس میرزای نائینی)، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۱۵ ق.
۴. کاظمینی بروجردی، محمدعلی، جامع الاحادیث، مقدمه، بی جا، بی نا، ۱۳۵۳ ش.
۵. جمیز. م. هندرسن و ریچارد ا. کرانت، تئوری اقتصاد خرد، ترجمه مرتضی قره باغیان و جمشید پژوهان، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱ ش.
۶. حر عاملی، وسائل الشیعه (۳۰ جلدی)، بیروت، موسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.
۷. حسینی حائری، سید کاظم، فقه العقود، قم، مجمع فکر اسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۸. خورشید احمد، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمدجواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۹. خویی، سید ابوالقاسم، اجود التقریرات (تقریرات درس مرحوم نائینی)، تحقیق: موسسه صاحب الامر، قم، اول، ۱۴۱۹ ق.

۱۰. \_\_\_\_\_، مصباح الفقاهه، به قلم محمدعلی توحیدی تبریزی، قم، داوری، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. دِرک هیجینز، کاربرد اندیشه سیستمی، ترجمه رشید اصلانی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. دیوید. و. هاملین، تاریخ معرفت‌شناسی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. ریچارد جی لیسی و کالین هاربری، اصول علم اقتصاد، ا. اقتصاد خرد، ترجمه و تألیف م. فکری ارشاد، مشهد، مانیکا، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. سبحانی، جعفر، تهذیب الاصول (تقریرات درس امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. صدر، سید محمدباقر، اقتصادنا، تحقیق دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان (گروه اقتصاد)، اول، ۱۳۷۵ ش.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، میزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. طباطبایی یزدی، سید کاظم، حاشیه المکاسب، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۸. \_\_\_\_\_، عروة الوثقی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی‌تا.
۱۹. تفضلی، فریدون، اقتصاد کلان، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. کلوددو پاکید، مقدمه تئوری کلی و فلسفه حقوق، ترجمه علی محمد طباطبایی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۱. گری گوری منکیو، اقتصاد کلان، ترجمه حمیدرضا برادران شرکا و علی پارسائیان، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۵ ش.
۲۲. مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۶ ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌نا.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۴ ش.

۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶ ش.

۲۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.

۲۷. ملکی اصفهانی، محمود و سعید، اصول فقه شیعه (درس های خارج اصول مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۱ ش.

۲۸. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، اول، ۱۳۷۸ ش.

۲۹. \_\_\_\_\_، کتاب البیع، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.

۳۰. \_\_\_\_\_، منهاج الوصول الی علم الاصول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، اول، ۱۳۷۳ ش.

۳۱. \_\_\_\_\_، وصیت نامه الهی - سیاسی.

۳۲. میرآخور، عباس، «شمایی از نظام اقتصادی اسلام»، انتشار یافته در کتاب ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، گردآورنده: احمدعلی یوسفی، تهران، مؤسسه فرهنگی و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹ ش.

۳۳. میرمعزی، سید حسین، ساختار کلان نظام اقتصادی اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰ ش.

۳۴. \_\_\_\_\_، نظام اقتصادی اسلام؛ انگیزه ها و اهداف، تهران، کانون اندیشه جوان، اول، ۱۳۷۸ ش.

35. Vaclar Holesovsky: Economic systems analysis and comparison, PP.